

تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناختی از حوزه اخلاق اطلاعات

مهدی شقاقی: دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) m.shaghghi@ut.ac.ir

محمدرضا وصفی: استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران.

چکیده

دریافت: ۹۴/۰۷/۱۵

ویرایش: ۹۴/۰۹/۱۰

پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۱

زمینه و هدف: در هر حوزه مطالعاتی، تعاریف اولیه سنگ بنای سایر مطالعات را می‌سازند و به آنها جهت می‌دهند. مقاله حاضر نیز قصد دارد با تحلیل مفهومی تعاریف و دسته‌بندی‌های انجام شده از حوزه «اخلاق اطلاعات»، ضمن شناسایی نقاط عزیمت تعاریف، تعریف جدیدی از این مفهوم ارائه کند تا بتواند پایه‌ای برای مطالعات آتی باشد.

روش: روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای یا سندی است و از رویکرد تحلیل مفهومی برای بررسی استفاده شده است. بر این اساس، کلیه متون نظری حوزه اخلاق اطلاعات در پایگاه‌های مقالات فارسی و انگلیسی شناسایی شد و پس از گردآوری حدود ۱۳۹۰ مقاله، به جستجوی تعاریف و دسته‌بندی‌های انجام شده و تحلیل نقاط عزیمت و پیش‌فرض‌های آن اتمام گردید و ۲۰ نویسنده که به تعریف منسجم از اخلاق اطلاعات پرداخته بودند شناسایی و آثار آنها به دقت مطالعه گردید. سپس با یک دید نظری - جامعه‌شناختی، با تکیه بر آراء ژاک دریدا و پیر بوردیو، تعریف و دسته‌بندی جدیدی از حوزه اخلاق اطلاعات ارائه شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۲۰ تعریف و دسته‌بندی اصیل از مفهوم «اخلاق اطلاعات» صورت گرفته است که عموماً از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، و علم اطلاعات (کتابداری و اطلاع‌رسانی) عزیمت کرده‌اند؛ هر چند تعاریفی با رویکردهای حقوقی، مارکسی، اسلامی، و اجتماعی نیز وجود داشته است. دو مفهوم «جایگاه» و «دسترسی» در همه تعاریف، مفاهیم کلیدی بودند به طوری که هر تعریف با توجه به موضع تئوریک مؤلف به تعریف پرداخته بود و دوم اینکه کنترل دسترسی، مفهومی کلیدی در تعاریف بود. با جستجوی نظریات سعی شد که این دو مفهوم بر پایه نظریات موجود در قالب تعریفی جدید مفهوم‌سازی گردد. پس از جستجو در نظریات، مفهوم دریدائی «پرسش از پرسش‌ها» و مفهوم بوردیوئی «جایگاه» متناسب تشخیص داده شد. برای مفهوم کلیدی دسترسی نیز بر اساس آراء فوکس (۱۳۹۳) سعی شد یک دسته‌بندی اجتماعی بر اساس تولید و مصرف اطلاعات ارائه شود؛ طوری که بتوان مفهوم دسترسی را در آن جای داد. بنابراین، افراد بر پایه تولید و مصرف اطلاعات به گروه‌های مصرف‌کننده اطلاعات، مصرف‌کننده تولیدگر، تولیدکننده اطلاعات و حاکمان تقسیم شدند. بر این اساس، مسائل سرعت اطلاعات و امنیت اطلاعات بیشتر جزو مسائل اخلاقی مورد توجه تولیدکنندگان اطلاعات و حاکمان است؛ مسائل حریم خصوصی، حقوق مالکیت فکری و سرعت علمی بیشتر مطالبه اخلاقی مصرف‌کنندگان تولیدگر و تولیدکنندگان اطلاعات است و مسائل آزادی دسترسی به اطلاعات و سانسور و کنترل محتوا دغدغه‌های اخلاقی مصرف‌کنندگان اطلاعات و سپس مصرف‌کنندگان تولیدگر به حساب می‌آید.

اصالت/ارزش: اصالت مقاله حاضر در تلاش برای بررسی جامع تعاریف و ارائه رویکردی جدید در تعریف اخلاق اطلاعات است. با استفاده از تعریف حاضر می‌توان تحلیل کرد که هر پرسش و مطالبه درباره اخلاق اطلاعات از چه جایگاهی برخاسته و آن جایگاه، چه پیش‌فرض‌هایی را در اتخاذ موضع اخلاقی با خود به همراه خواهد آورد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اطلاعات، جامعه‌شناسی اطلاعات، اخلاق فن‌آوران، جایگاه اطلاعاتی، کنترل دسترسی

مقدمه

جهت‌گیری‌های کلی

مسائل اخلاقی عصر اطلاعات، که به طور خاص به عصر پس از ظهور کامپیوترها و شبکه‌های ارتباطی اطلاق می‌شود، از دو چشم‌انداز کلی نگریسته می‌شود: چشم‌انداز نخبه‌گرای فردمحور سایبرنتیکی و چشم‌انداز اومانستی جامعه‌گرا (شقاقی و وصفی، ۱۳۹۴). مهمترین ویژگی اخلاق اطلاعات^۱ با چشم‌انداز سایبرنتیک و رایانه نگاه به انسان به

عنوان ماشین پردازش اطلاعات است که با کمک استعاره «کانال» (دی، ۲۰۰۱) که از علوم ارتباطات وام گرفته شده، شکل گرفته است. نطفه این پیش‌فرض در باب اطلاعات، انسان، و ذات زندگی او در جهان با تفاسیر اجتماعی نوربرت

نگاه خاص او به انسان و اطلاعات است، ارائه کرده‌اند و آن را نظریات «اخلاق اطلاعات» نامیده‌اند. نظریه اخلاقی وینر منبعث از پیش‌بینی‌هایی بود که وی از موج دوم انقلاب صنعتی و عصری که وی آن را «عصر اتوماتیک» می‌نامید، می‌نمود (باینوم، ۲۰۰۸). اصطلاح «اخلاق اطلاعات» اولین بار توسط روبرت هاتمن و رافائل کاپورو که از متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند، به کار برده شد و توسعه نظری یافت (فرولیچ، ۲۰۰۴).

۱. شایسته ذکر است که وینر از واژه اخلاق اطلاعات هیچگاه استفاده نکرده و این فهمی است که اخلاف وی (نظیر ترل باینوم) از نظریات اخلاقی او که برخاسته از

اطلاعات، آزادی بیان و آزادی نشر باشد. آزادی نشر، در واقع عاملی بود که کتابخانه‌های عصر باستان و قرون قبل از اختراع دستگاه چاپ را با یک تحول بنیادین مواجه کرد و آن عبارت بود از اینکه کنترل اشاعه تفاسیر خاص، از دست گروه‌های خاص خارج شد. بنابراین، اخلاق اطلاعات با چشم‌انداز علم اطلاعات، در وهله اول چیزهایی را معضل اخلاقی در عصر اطلاعات تلقی می‌کند که باعث از دست رفتن کنترل اطلاعات از دست مردم می‌شود؛ یعنی مسائلی چون دسترسی آزاد به اطلاعات، سانسور، و آزادی بیان. این در حالی است که چشم‌انداز سایبرنتیکی به اخلاق در محیط اطلاعات، اساساً به دنبال کنترل همه متغیرهایی است که پردازش صحیح توسط انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ایجاد خشه مفهومی می‌نماید. بنابراین، سایبرنتیک همه رفتارهای پردازشی را در فضای احتمال پیش‌بینی می‌کند و با استفاده از نظریه اطلاعات شانون، محاسبه می‌کند که برای هر رفتار چه مقدار اطلاعات نیاز است. هر رفتاری که خارج از فضای احتمال باشد، خشه محسوب می‌شود و مانع پردازش است. لذا چشم‌انداز سایبرنتیکی اساساً با پیش‌بینی و کنترل همراه است و می‌خواهد از طریق پیش‌بینی همه رفتارها، به بهترین پردازش و در واقع به بهترین سازگاری با محیط دست یابد. به همین دلیل است که اخلاق اطلاعات با چشم‌انداز سایبرنتیکی، به مسائلی توجه می‌کند که این کنترل و پیش‌بینی را به مخاطره می‌اندازد که عبارتند از امنیت اطلاعات، سرقت اطلاعات، هک و نفوذ و غیره.

روش

پژوهش حاضر به روش سندی^۶ انجام گرفته است و از رویکرد تحلیل مفهومی^۷ برای بررسی مفاهیم استفاده شده است. ابتدا با کلیدواژه‌های «اخلاق اطلاعات»، «اخلاق اینترنت»، «اخلاق سایبر»، «اخلاق فن‌آوری اطلاعات»، «اخلاق تکنولوژی اطلاعات»، «اخلاق فضای مجازی»، «اخلاق وب»، و «اخلاق محیط الکترونیک» در دو پایگاه مگ‌ایران و نورمگز جستجو شد و ۱۲۱ مقاله فارسی بازیابی شد. پس از مرور مقالات مشخص شد که صرفاً یکی از آنها، به ارائه تعریف در حوزه اخلاق اطلاعات مبادرت کرده است. سپس با کلیدواژه‌های «information ethics»، «internet ethics»، «cyber ethics»، «library ethics»

وینر و وارن ویور^۳ از نظریه اطلاعات شانون بسته شده است (دی، ۲۰۰۱) و این پیش‌فرض به عنوان اساس نقطه عزیمت از علوم کامپیوتر و فن‌آوری اطلاعات به اخلاق اطلاعات عمل کرده است. بر این اساس، انسان اطلاعات را از کانال‌های مختلف (درباره محیط: هوا) از موقعیتی که در آن واقع است، دریافت می‌کند، پردازش می‌کند و به محیط یا به گیرندگان دیگر منتقل می‌نماید. این فرایند از نظر وینر، اساس فلسفه زندگی انسان را که عبارت است از «سازگاری با محیط»، برمی‌سازد. هر چه درجه این سازگاری بالاتر باشد، زندگی شکوفاتر می‌شود. طبق این نظر، هدف زندگی انسان عبارت است از شکوفا شدن و زندگی کارآمد، که در پرتو «به بهترین نحو عمل کردن به عنوان واحد پردازش اطلاعات» جهت ایجاد حداکثر «سازگاری با محیط» صورت می‌بندد. این بدان معنی است که انسان باید بتواند از طریق بهترین کانال‌ها (بدون خشه) محیط خود را پردازش کند تا با اطلاعات حاصله بتواند بهترین سازگاری را با محیط داشته باشد تا به حداکثر شکوفایی ممکن برسد. لذا، اخلاق اطلاعات از نظر نوربرت وینر، بر اساس «نظریه شکوفایی انسان» بنا می‌شود که خود، مبتنی بر فهم انسان به مثابه ماشین پردازش اطلاعات است. بنابراین، اخلاق اطلاعات از نظر وینر عبارت است از پاسداشت هر آنچه که پردازش صحیح اطلاعات توسط انسان و یادگیری و شکوفایی او را ممکن می‌سازد و جلوگیری از هر چیزی که بر سر این راه، مانع ایجاد می‌کند (باینوم،^۴ ۲۰۰۵).

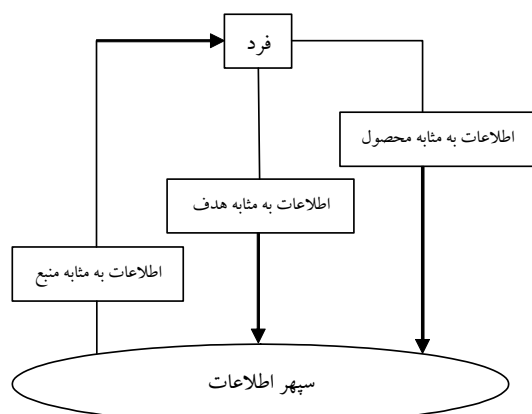
از سوی دیگر، چشم‌انداز اومانستی به اخلاق اطلاعات، که عمدتاً از علم اطلاعات (کتابداری و اطلاع‌رسانی) سرچشمه می‌گیرد، بر اساس ارزش‌های آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات، و آزادی نشر بنا شده است که ریشه‌های آن را می‌توان تا یونان باستان و مفهوم پارسیا^۵ (رک‌گویی، حقیقت‌گویی) ردگیری کرد (بریتز، ۲۰۱۳). بنیادی‌ترین کارکرد کتابخانه، پشتیبانی از همه‌صدایی یا تکثر در تفسیر متون است و این امکان که گروه‌هایی بتوانند تفسیر خاص خود را از یک تفکر یا ایده در میان مردم حاکم کنند اساساً از سوی کتابخانه نفی می‌شود زیرا کتابخانه این امکان را به وجود می‌آورد که افراد بتوانند با مطالعه، تفاسیر خاص خود را از اندیشه‌ها، مکاتب و ایده‌ها داشته باشند. از این منظر، اخلاقی بودن اساساً نمی‌تواند نفی‌کننده دسترسی به

6. documentary research
7. conceptual analysis

3. Warren Weaver
4. Terrell Ward Bynum
5. parrhesia

هدف (نشانگاه)^{۱۳}. سه مفهوم مهم اخلاقی که از نظر فلوریدی (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸) هنگام تعامل فرد با منابع اطلاعات بروز می‌کند عبارتند از: الف) قابلیت دسترسی [accessibility] که می‌گوید چقدر اطلاعات صحیح و قابل حصولی که به انجام اعمال اخلاقی صحیح کمک می‌کنند، در دسترس است. در اخلاق اسلامی و مسیحی و سایر ادیان آسمانی، عدم اطلاع از زشتی اعمال، گناه را بخشودنی می‌کند. اگر فرد برای انجام کنش‌های اخلاقی خود در دسترسی به اطلاعات اصطلاحاً «مستضعف» باشد و در دسترسی به اطلاعات درست محدودیت داشته باشد، «مسئولیت اخلاقی» وی نیز به همان اندازه محدود خواهد بود.

دومین مسئله اخلاقی از نظر فلوریدی (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸) امکان حصول یا قابلیت حصول^{۱۴} است. قابلیت حصول یعنی اینکه چه اطلاعاتی اخلاقاً درست است که فرد به آن دسترسی



شکل ۱. مدل آر. پی. تی (فلوریدی، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸).

یابد. گاهی اوقات عدم دسترسی به اطلاعات است که به عمل اخلاقی کمک می‌کند مثلاً نداشتن اطلاع از نام کسانی که مقاله‌شان را داوری یا برگه امتحانی‌شان را نمره‌دهی می‌کنیم، یا ندانستن نام افرادی که قرار است در یک قرعه‌کشی، آنها را به طور تصادفی برای گرفتن وام انتخاب کنیم. از نظر فلوریدی (۲۰۰۶) ایده «حجاب جهل» که جان رالز^{۱۵} در نظریه عدالت خود آن را مطرح می‌کند، به طور کامل منطبق با مفهوم قابلیت حصول است. سومین مسئله اخلاقی از نظر فلوریدی (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸) درستی^{۱۶} منبع اطلاعات برای انجام اعمال، کنش‌ها و ارزیابی‌ها است. مسائل اخلاقی مربوط به درستی منبع اطلاعات زمانی بروز می‌یابد که کنش

«virtual space ethics»، «web ethics»، «computer ethics» در پایگاه‌های پروکوئست، جان وایلی، ابسکو، جی‌استور، تیلور آند فرانسیس، الزویر، سیچ و امرالد - که دانشگاه تهران آنها را به صورت تمام متن مشترک شده است - جستجو شد و حدود ۱۲۷۰ مقاله و ۹۳ پایان‌نامه دانلود گردید. در نهایت، دستنامه‌ها و دایره‌المعارف‌هایی که به موضوع اخلاق اطلاعات پرداخته بودند شناسایی و متن کامل اکثر آنها از اینترنت دانلود شد و مقالات آنها مورد مرور قرار گرفت^۸. از بین نویسندگان، تنها ۲۰ تن بودند که به‌طور منسجم به تعریف حوزه اخلاق اطلاعات پرداخته بودند و سایر افراد یا به تحقیقات میدانی پرداخته بودند و یا به اتخاذ موضع نظری و نقد خود در خصوص اخلاق کتابخانه‌ها یا اخلاق در فضای مجازی مبادرت کرده بودند. در مجموع آثار این ۲۰ نویسنده به طور کامل مطالعه شد و تعاریف آنها تحلیل و نقد گردید و پیش‌فرض‌ها و نکات کلیدی تعاریف آنها استخراج شد. در نهایت، نتایج در سه بخش «تعاریف با نقطه عزیمت فن‌آوری»، «تعاریف با نقطه عزیمت علم اطلاعات» و «سایر تعاریف» دسته‌بندی گردید. در ادامه تعاریفی که با دو چشم‌انداز طرح شده ارائه گردیده‌اند، به همراه سایر رویکردها، از نظر می‌گذرانیم و با تحلیل آنها، به تعریفی جامعه‌شناختی در حوزه اخلاق اطلاعات می‌رسیم.

یافته‌ها

الف) تعاریف با نقطه عزیمت فن‌آوری اطلاعات و علوم کامپیوتر

۱. دسته‌بندی فلوریدی: تعریف فلوریدی^۹ (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸) از حوزه اخلاق اطلاعات با نام مدل آر. پی. تی^{۱۰} شناخته شده است. به نظر فلوریدی (شکل ۱)، فرد به سه نحو مختلف با اطلاعات درگیر است: اطلاعات به مثابه منبع^{۱۱}، محصول^{۱۲} و

۸. دستنامه‌ها و دایره‌المعارف‌های مرور شده به شرح زیر است:

Handbook of information and computer ethics (Kenneth Einer Himma & Herman Tavani); Information Technology Ethics: Cultural Perspective (Soraj Hongladarom & Charles Ess); The Cambridge Handbook of Information and Computer Ethics (Lociano Floridi); The Blachwell Guide to the Philosophy of Computing and Information (Lociano Floridi); Information Ethics: Privacy and Intellectual Property (Lee Freeman and Graham Peace); Information Security and Ethics: Concepts, Methodologies, Tools and Applications (Hamid Nemati); Handbook of Research on Digital Information Technologies: Innovations, Methods and Ethical Issues (Thomas Hansson); Encyclopedia of Science and Technology Ethics (Carl Micham).

۹. Lociano Floridi

۱۰. R(ESOURCE)P(RODUCT)T(ARGET) Model

۱۱. information as Resource

۱۲. information as product

13. information as target

14. availability

15. John Rawls, the veil of ignorance

16. accuracy

کنترل محتوا^{۲۹}. ویژگی اصلی نوع سوم مسائل اخلاق اطلاعات آن است که مانند نوع اول و دوم که به پشتوانه‌های اخلاقی محکم استوارند (مثل بدیهی بودن لزوم درستی اطلاعات)، نوع سوم کاملاً وابسته به تحلیل اخلاقی افراد است که از آن طرفداری یا آن را نفی می‌کنند. برای مثال می‌توان از طرفداران سانسور و مخالفان آن، طرفداران مالکیت فکری و مخالفان آن، و طرفداران حفظ حریم خصوصی و مخالفان آن یاد کرد.

نکته قابل تأمل در دسته‌بندی فلوریدی، نگاه سایبرنتیکی او به انسان به مثابه موجود اخلاقی است که فلوریدی از آن به «ماشین اخلاقی» (فلوریدی، ۲۰۰۸، ص ۶) تعبیر می‌کند. اشارات او به نظریه شکوفایی وینر (همان، ص ۳) نیز مؤید این مطلب است. این نگاه سایبرنتیکی او به انسان به مثابه «ماشین اخلاقی پردازش اطلاعات»، باعث شده است که دسته‌بندی فلوریدی، یک دسته‌بندی سیستمی باشد که در آن ورودی (اطلاعات به مثابه منبع)، خروجی (اطلاعات به مثابه محصول) و بازخورد (اطلاعات به مثابه آماج) تعبیه شده است.

۲. دسته‌بندی هال: هال^{۳۰} (۲۰۱۴) در پایان‌نامه دکترای خود به طبقه‌بندی مباحث حوزه اخلاق کامپیوتر و اطلاعات دست زده است. نکته قابل توجه در این دسته‌بندی، هم‌ارز قرار دادن اخلاق کامپیوتر و اخلاق اطلاعات در قالب «اخلاق کامپیوتر و اطلاعات» است و هر چند هال (۲۰۱۴) در عنوان پایان‌نامه خود از اصطلاح «اخلاق کامپیوتر» استفاده کرده است اما سیاق کلی پایان‌نامه طوری است که اخلاق کامپیوتر به نوعی به اخلاق اطلاعات نیز دلالت دارد. در واقع، می‌توان گفت که این، پیش‌فرض بسیاری از متخصصانی است که از اخلاق کامپیوتر و اخلاق فن‌آوری اطلاعات به اخلاق اطلاعات عزیمت می‌کنند و در واقع اخلاق اطلاعات را اصطلاح اعم برای اخلاق کامپیوتر و اخلاق فن‌آوری اطلاعات می‌دانند. رهیافت فلوریدی به اخلاق اطلاعات، که طی آن حوزه اخلاق اطلاعات را به‌عنوان پشتوانه نظری اخلاق کامپیوتر معرفی می‌کند (فلوریدی، ۱۹۹۹)، در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است. هال (۲۰۱۴) از متون حوزه فن‌آوری اطلاعات و اخلاق کامپیوتر برای رسیدن به دسته‌بندی خود استفاده کرده و از متون حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی چشم‌پوشی نموده است. وی پس از تحلیل همه متون حوزه اخلاق کامپیوتر، اخلاق

یا رفتار خاصی، بر مبنای اطلاعات غلط شکل گرفته باشد و بنابراین، این مسئله نیز با بحث «مسئولیت اخلاقی» پیوند دارد.

فرد پس از دریافت اطلاعات از منبع، دست به ارزیابی‌هایی می‌زند که حاصل آن، تولید اطلاعات است و اطلاعاتی را به‌عنوان محصول تولید می‌کند و این اطلاعات را وارد سپهر اطلاعات می‌نماید. در اینجا توجه روی این مسئله است که این اطلاعات تولیدشده چقدر به سالم‌سازی سپهر اطلاعات^{۱۷} کمک می‌کنند و چقدر آن را آلوده می‌سازد. تولیداتی که به آلوده‌سازی سپهر اطلاعاتی کمک می‌کنند اخلاقاً نادرست‌اند. ارائه اطلاعات نادرست ممکن است عمدی و یا غیرعمدی^{۱۸} باشد. مسئله اطلاعات معنایی کاذب غیرعمدی همانند مسئله دسترسی به اطلاعات و صحت اطلاعات در اطلاعات به مثابه منبع، دارای نسبت خاصی با «مسئولیت اخلاقی» است. اما بیشتر مسائل اخلاقی مربوط به تولید اطلاعات توسط فرد، حول اطلاعات کاذب عمدی می‌چرخد. سرقت علمی، پروپاگاندا، شهادت نادرست (دروغ‌گوئی در شهادت یا شاهد آوردن)^{۱۹}، ارائه اطلاعات مالی نادرست (دروغ‌گوئی در تنظیم اسناد مالی) از نمونه‌های اطلاعات معنایی کاذب عمدی است.

نوع سوم تعامل فرد با اطلاعات از نظر فلوریدی (۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸)، مربوطه به زمانی است که اطلاعات، هدف ارزیابی و تحلیل اخلاقی فرد قرار می‌گیرد (بازخورد). در اینجا اطلاعات به مثابه هدف مطرح است یعنی اطلاعات در آماج تحلیل اخلاقی فرد قرار می‌گیرد که نتیجه آن، اعمال محدودیت‌ها یا عدم محدودیت‌هایی در دسترسی به اطلاعات است. انواع تحلیل‌های اخلاقی که سپهر اطلاعات را هدف قرار می‌دهد، عبارت از موضوعاتی همچون امنیت اطلاعات^{۲۰}، خرابکاری اطلاعاتی^{۲۱}، سرقت اطلاعات^{۲۲}، مالکیت فکری^{۲۳}، مسئله حریم خصوصی^{۲۴}، مسئله نرم‌افزارهای کدباز^{۲۵}، آزادی بیان^{۲۶}، سانسور^{۲۷}، فیلتر کردن سایت‌ها و محدود کردن دسترسی^{۲۸}، و

17. infosphere

۱۸. اطلاعات معنایی کاذب عمدی (misinformation)؛ اطلاعات معنایی کاذب غیرعمدی (disinformation)

۱۹. مثل استناد نادرست.

20. information security

21. vandalism

22. piracy

23. intellectual property

24. privacy

25. open source softwares

26. freedom of speech

27. censorship

28. filtering

29. content control

30. Brian Richard Hall

فن‌آوری اطلاعات و اخلاق فضای سایبر، فصل مشترک تمامی مباحث اخلاق کامپیوتر و اطلاعات را در این حوزه‌ها می‌داند: حریم خصوصی و محرمانگی، اعتماد، و طراحی و تولید سیستم‌های اخلاق‌مدار. تفسیری که می‌توان از دسته‌بندی‌های (۲۰۱۴) داشت آن است که نگاه وی به اخلاق اطلاعات، بسیار سوگیرانه است و فن‌آوری زده است. همچنین، می‌توان استنباط کرد که موضوع «کنترل اجتماعی» در پشت صحنه این دسته‌بندی مستتر است. در واقع، بررسی ابعاد حریم خصوصی و محرمانگی، همچنین مسئله اعتماد و چون و چرای شرایط ایجاد اعتماد به سیستم‌های اطلاعاتی و نیز تولید سیستم‌های اخلاق‌مدار که در واقع چه از طریق رابط کاربری و چه از طریق عملیات‌های مختلف، اعمال خاصی را مجاز می‌شمرند و اجازه فعالیت‌های خاصی را می‌دهند، در واقع موضوع «کنترل» را در پس خود نهفته دارد که البته امری بدیهی و پیش‌فرض در علوم کامپیوتر به‌شمار می‌رود.

۳. دسته‌بندی اسمیت: اسمیت^{۳۱} به دو شکل مفهومی و عملیاتی به تعریف اخلاق اطلاعات دست زده است. وی (۲۰۱۸) در دسته‌بندی مفهومی، موضوعات قابل بررسی در حوزه اخلاق اطلاعات را شامل مسائل دسترسی، مالکیت، محرمانگی، امنیت، و جامعه تلقی می‌کند و سپس اظهار می‌دارد که «تعریف عملیاتی اخلاق اطلاعات شامل مطالعه ایده‌های مفهومی، نظریه‌های اخلاقی، و استراتژی‌های تصمیم‌گیری اخلاقی ناظر بر گفتار و کردار است که متوجه و معطوف به رفع چالش‌های محیط جهانی اطلاعات باشد». همانطور که در دسته‌بندی مفهومی و عملیاتی اسمیت قابل مشاهده است، تأکید بر اخلاق جهانی، نگاه فردگرا و روانشناختی به اخلاق، و نگاه کنترلی به اخلاق و تأکید روی دسترسی، مالکیت و امنیت، این دسته‌بندی را تبدیل به دسته‌بندی‌های از نوع فن‌آورانه و تکنوکراتیک به اخلاق اطلاعات نموده است.

۴. دسته‌بندی ماسون: دسته‌بندی ماسون^{۳۲} (۱۹۸۶) که به پاپا^{۳۳} معروف است، مسائل اخلاقی عصر اطلاعات و لذا حوزه مباحث اخلاق اطلاعات را شامل محرمانگی، دسترسی [اطلاعات]، مالکیت، و دسترسی می‌داند. از نظر ماسون مطالعه درباره محرمانگی به این برمی‌گردد که در عصر اطلاعات، چه اطلاعاتی درباره فرد بر اساس بنیان‌های حقوقی و اخلاقی جامعه‌اش، می‌تواند صرفاً از آن خودش

باشد؛ طوری که مجبور نباشد آن را آشکار کند. در مطالعه درباره درستی اطلاعات از نظر او (۱۹۸۶) باید بررسی شود که در موقعیت‌های مختلف، چه کسی مسئول اعتبار، صحت و دقت اطلاعات است و چه کسی می‌بایست درباره خطاها، اشتباهات و اغلاط اطلاعاتی پاسخگو باشد و افراد و گروه‌های خسران دیده چطور باید جبران هزینه شوند. از نظر وی (۱۹۸۶) توجه اصلی مطالعات اخلاقی درباره مالکیت اطلاعات روی این است که اولاً چه کسی مالک اطلاعات است. همچنین، قیمت دقیق و منصفانه برای مبادله این اطلاعات در موقعیت‌های مختلف چقدر است. به علاوه، باید بررسی شود که چه کس یا کسانی مالک کانال‌های انتقال اطلاعات هستند و این مالکیت چرا و تحت چه شرایطی در اختیار آنها قرار گرفته است. همچنین، این کانال‌های محدود (رسانه‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی، انتشارات و...) هر کدام دارای چه وزنی هستند و تحت چه شرایطی و با شاخصه‌ها و ضوابطی به افراد مختلف تخصیص می‌یابند. در نهایت، ماسون (۱۹۸۶) اظهار می‌دارد که تفحص اخلاقی در خصوص دسترسی به اطلاعات، اولاً مربوط به این است که فرد، گروه یا سازمان در موقعیت‌های مختلف مجاز به گردآوری و دستیابی به چه اطلاعاتی هستند. در ضمن، این افراد و سازمان‌ها تحت چه شرایطی مجاز به دستیابی به انواع اطلاعات هستند و این کار با چه تضمیناتی (جانی، مالی، اعتباری) می‌بایست صورت گیرد.

دسته‌بندی ماسون (۱۹۸۶) از مباحث اخلاق اطلاعات و تعبیری که وی از هر یک از این مباحث دارد، از دو جنبه اهمیت دارد: اول، نگاه حقوقی وی به اخلاق که در توضیحات ذیل هر یک از مباحث محرمانگی، دسترسی، مالکیت، و دسترسی هویداست. دوم، عزیمت وی به اخلاق اطلاعات که از اخلاق فن‌آوری اطلاعات نشأت گرفته است. ماسون (۱۹۸۶، ص ۵) اظهار می‌دارد که:

چالش‌های منحصربه‌فردی هست که در عصر اطلاعات با آن مواجهیم. این چالش‌ها از ماهیت خود اطلاعات نشأت می‌گیرند. ذهن ظرفیت خود را اغلب با استفاده از دریافت ورودی اطلاعاتی از خروجی‌های اطلاعاتی ذهن دیگران، افزایش و گسترش می‌دهد تا به اهدافش دست یابد. بنابراین، اطلاعات سرمایه فکری‌ای را شکل می‌دهد که از طریق آن، نوع بشر زندگی خود را می‌سازد و شأن خود را حفظ می‌کند.

سه نکته متمایز از این نقل قول قابل استنباط است: اول نگاه سایبرنتیکی او به ذهن است که همانطور که قبلاً ذکر شد، میراث وینر و نگاه پردازشگرانه او به ذهن انسان است که

31. Martha Smith

32. Richard O. Masson

33. Privacy; Accuracy; Property; Accessibility (PAPA)

فرااخلاق»، و در ردیف دوم ذیل همان ستون افزوده شود «اخلاق کاربردی». نکته دوم آن است که ارائه یک تعریف جدید، باید بتواند افق‌های تازه‌ای بگشاید و یک راهنمای روش‌شناختی برای ارائه مسیرهای درست برای پژوهش در حوزه اخلاق اطلاعات باشد. به نظر می‌رسد این تعریف، در نظر داشته تا مباحث اخلاق اطلاعات را در دسته‌بندی سنتی اخلاق توصیفی، هنجاری، فلسفی، و کاربردی جای دهد و مباحث اخلاق اطلاعات را در دسته‌بندی سابق اعمال نماید. بنابراین بهتر است این دسته‌بندی طوری بازنگری شود که افق‌های جدیدی برای تحقیق نیز بگشاید.

ع. دسته‌بندی اِس: اِس^{۳۴} (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «تکنترگرایی سایبرنتیکی در اخلاق کامپیوتر و اطلاعات نوظهور» به تعریف مباحث اخلاق کامپیوتر، اخلاق اطلاعات، و اخلاق کامپیوتر و اطلاعات (ICE) می‌پردازد. اِس (۲۰۰۷، ص ۴) پس از تعریف حوزه اخلاق کامپیوتر عنوان می‌دارد که «... در حالی که تعریف دقیق اطلاعات - به‌ویژه در تقابل با بسیاری از افراد که به دسته‌بندی هرمی اطلاعات (داده، اطلاعات، دانش، خرد) قائل‌اند - بسیار محل بحث است، اما اگر به‌طور عملیاتی توافق کنیم که آنچه کامپیوترها پردازش می‌کنند، اطلاعات است، بنابراین اخلاق اطلاعات شامل همه مسائل اخلاقی‌ای می‌شود که مرتبط با تولید، ذخیره، دسترسی، و اشاعه اطلاعات است». دسته‌بندی چارلز اِس، از یک جنبه شبیه به سلسله فرایندهای کامپیوتری است که شامل تولید، ذخیره، سطوح دسترسی، و اشاعه (خروجی) اطلاعات می‌شود و از یک سوی دیگر شبیه به دسته‌بندی سنتی از مباحث علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی است که البته رویکرد سیستمی در آن غلبه دارد و آن عبارت است از فراهم‌آوری (تولید)، سازماندهی (ذخیره)، و اشاعه اطلاعات. این دسته‌بندی، دارای یک وجه فرهنگی نیز هست و آن اینکه از یک جنبه، به همه مسائل اخلاقی مربوط به تولید و مصرف اطلاعات توجه دارد. وی در مطالعه خود راجع به معانی مختلف مباحث اخلاق اطلاعات (مانند حریم خصوصی) در فرهنگ‌های مختلف، به‌دنبال معنای مشترک یا یک روح مشترک^{۳۵} در تلقیات است تا بتواند بر اساس آن یک اخلاق جهانی اطلاعات را با حفظ تفاوت‌های فرهنگی تأسیس نماید (اِس، ۲۰۰۶). با این حال، به‌وضوح قابل مشاهده است که اِس، تمایز چندانی بین اطلاعات در معنای اجتماعی و اطلاعات در معنای کامپیوتری قائل نیست و وجه

«ورودی‌های» اطلاعات را از «خروجی‌های» ذهن دیگران برای پردازش می‌گیرد. دوم، نظریه شکوفایی انسان، که روح واحد تمامی نظریاتی اخلاق اطلاعات با نقطه عزیمت از فن‌آوری اطلاعات است که با تعریف انسان به‌مثابه ماشین پردازش اطلاعات که موفقیت او در گرو سازگاری هر چه بیشتر با محیط است، توأمان است. سوم، نگاه سرمایه‌ای او به اطلاعات است که چه در نقل قول بالا و چه در تعاریف چهارگانه، اطلاعات را به‌مثابه کالایی قابل نقل و انتقال تلقی می‌کند که البته این نیز همراستا با نگاه سایبرنتیکی او به اطلاعات است. با این سه سرخ از دسته‌بندی وی از اخلاق اطلاعات، به‌خوبی مشخص است که نگاه وی به اطلاعات، یک نگاه از منظر «کنترل اجتماعی» است و بیشتر به جنبه‌هایی از اخلاق اطلاعات تمرکز دارد که به کنترل و حفاظت از سرمایه‌های فکری صاحبان اطلاعات مربوط است. بنابراین، مباحث سانسور، آزادی بیان، گمنامی، و آزادی دسترسی به اطلاعات در این دسته‌بندی جایی ندارند.

۵. دسته‌بندی ثقة‌الاسلامی: در مقاله «رویکردی طبقه‌بندی شده به حوزه اخلاق اطلاعات» تألیف ثقة‌الاسلامی (۱۳۸۸)، چهار رهیافت ممکن به علم اخلاق را معرفی می‌شود که عبارتند از اخلاق فلسفی یا فرااخلاق، اخلاق هنجاری، اخلاق توصیفی، و اخلاق کاربردی. سپس دسته‌بندی اخلاق اطلاعات از دیدگاه اخلاق فلسفی، اخلاق حرفه‌ای، و اخلاق توصیفی ارائه می‌گردد. در ابتدای این مقاله، برآمدن حوزه اخلاق اطلاعات وابسته به ظهور فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات تلقی می‌شود و این، کاملاً از توضیحی که ذیل ویژگی‌های اخلاق اطلاعات توصیفی آمده، مشخص است. این دسته‌بندی از چند جنبه مورد نقد است. اول اینکه جای اخلاق کاربردی، که در اول مقاله به عنوان یکی از چهار رهیافت ممکن به حوزه اخلاق معرفی گردید، در این دسته‌بندی کجاست؟ در مقاله وی (۱۳۸۸، ص ۵۶) اخلاق کاربردی موازی با اخلاق هنجاری، اخلاق فلسفی، و اخلاق توصیفی دانسته می‌شود: «وقتی محققان اخلاق به‌جای تعیین درستی یا نادرستی امور در کلی‌ترین حالت‌ها، به‌دنبال تشخیص رفتارها و عملکردهای اخلاقی درست در برخی موارد و مسائل خاص عملی باشند، وارد گستره اخلاق کاربردی می‌شوند». با این حال در جدول وی اخلاق کاربردی جا افتاده است و دسته‌بندی وی با نقل‌قول بالا متناقض شده است. به نظر می‌رسد در جدول ثقة‌الاسلامی، یک جابجایی کوچک مسئله را حل کند: در ردیف اول ذیل ستون روش تحلیل افزوده شود «اخلاق هنجاری یا

34. Charles Ess

35. pros hen

و پذیرفته می‌شود و چرا. همانطور که می‌بینیم، در این تعریف شرایط ظهور قواعد رفتاری خاص ذیل قواعد مقرر شده برای نظام ارتباطی یک جامعه پرسیده می‌شود و این پرسش، نهایتاً به قواعد فکری زیربنایی یک جامعه درباره آنچه باید مخابره شود و آنچه نباید مخابره شود (قواعد ارتباط) کشیده می‌شود. در ضمن، اینکه چه جایگاه‌های اجتماعی یا چه نیروهای اجتماعی‌ای می‌توانند قواعد نقل و انتقال پیام را تعیین کنند یا تغییر دهند بسیار اهمیت می‌یابد. بنابراین، تحلیل موقعیت‌ها، جایگاه‌ها، مناسبات قدرت، و نیروهای درگیر در تعیین ضابطه مخابره پیام اهمیت خاصی می‌یابد. همانطور که مشخص است، این تعریف در صدد تحلیل آن است که چه نیروهایی مناسبات انتقال پیام را تعیین یا کنترل می‌کنند و لذا کاملاً دارای محوریت اجتماعی و اومانیستی است.

۹. دسته‌بندی سامیک: سامیک^{۴۰} (۲۰۰۷) اخلاق اطلاعات را بخشی از اخلاق کاربردی می‌داند. از نظر سامیک، اخلاق اطلاعات عبارت است از مطالعه و تتبع درباره کاربرد نظریه‌های اخلاقی در استفاده از اطلاعات در موقعیت‌های عملی مختلف به نحو مسئولانه و پاسخگویانه. از نظر سامیک، اعلامیه حقوق کتابخانه‌ها و داعیه دسترسی آزاد به اطلاعات که برخاسته از کاربرد نظریه اخلاق هنجاری سودگراست، راه را برای رونق گفت‌وگو تجاری‌سازی کتابخانه و نگاه مشتری‌مآبانه به مراجعه‌کننده باز می‌کند و همانند گفت‌وگو سواد اطلاعاتی، در واقع تضمینی برای ورود کالاهای اطلاعاتی تجاری به کتابخانه و تبدیل آن به یک بنگاه تجاری است. از نگاه سامیک، طنزآمیز است که حدود ۷۰ درصد مدرسان کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا و حدود ۵۰ درصد مدرسان این رشته در کانادا دارای مشاغل پاره‌وقت هستند و شغل‌شان اسیر تجاری‌سازی آموزش در اقتصاد پست‌فوردیستی شده است و با این حال، در درس‌های اخلاق کتابداری و اخلاق اطلاعات خود از جریان آزاد اطلاعات سخن می‌گویند. از نظر وی مسئولیت اجتماعی راهی برای تقویت نگاه مسئولانه برای کسب و به‌کارگیری اطلاعات از طریق آموزش است. از ویژگی‌های رویکرد سامیک، نگاه اومانیستی و در عین حال، اصول‌گرای او به اخلاق اطلاعات است و دغدغه‌اش آن است که چگونه کتابخانه به‌عنوان یک نهاد یا انجمن‌ها و مؤسسات خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی با توسعه راهبردها و سیاست‌های مناسب، راه را برای استفاده مسئولانه از اطلاعات هموار می‌کنند.

غالب اطلاعات را اطلاعات شبکه‌ای و کامپیوتری تلقی می‌کند. لذا عزیمت او به اخلاق اطلاعات، از جنبه اخلاق کامپیوتر است و اطلاق خاص اخلاق اطلاعات را همان اخلاق کامپیوتر و اخلاق فضای سایبر می‌داند. هر چند این به جنبه‌های میان فرهنگی اخلاق اطلاعات علاقه‌مند است و حوزه پژوهشی وی، مطالعه روی تلقیات اخلاقی متفاوت فرهنگ‌ها و ملل مختلف است، اما وی در تعریف، اخلاق اطلاعات را چیزی منفک از اخلاق کامپیوتر و اخلاق فن‌آوری اطلاعات تلقی نمی‌کند.

۷. دسته‌بندی باینوم: باینوم^{۳۶} پایه‌گذاری اخلاق اطلاعات را مربوط به تأسیس حوزه سایبرنتیک توسط وینر می‌داند و اظهار می‌کند که اصطلاح «اخلاق اطلاعات» برای اولین بار توسط والتر منر^{۳۷} ذکر شده است (باینوم، ۲۰۰۶). از نظر وی، اخلاق اطلاعات در معنای وسیع خود عبارت است از حوزه‌ای برای بررسی مسائل اخلاقی ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال اطلاعات که برای مثال، شامل تلفن‌ها، تلگراف، رادیو، تلویزیون، عکاسی، کامپیوترها، شبکه‌های اطلاعاتی، اطلاعات دی.ان.ای و غیره نیز می‌شود (باینوم، ۲۰۰۶). همچنین، اخلاق اطلاعات اثرات فن‌آوری اطلاعات روی ارزش‌های انسانی و اجتماعی همچون سلامت، ثروت، کار، فرصت‌ها، آزادی، دموکراسی، دانش، حریم خصوصی، امنیت، و تحقق خویشتن را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد (باینوم و روگرسون^{۳۸}، ۱۹۹۶). وی از جمله کسانی است که طرفدار و داعیه‌دار اخلاق جهانی اطلاعات است و به دنبال یکسان‌سازی قواعد آن در دنیا است. در تعریف باینوم نیز مانند سایر تعاریف فن‌آورانه، مؤلفه‌های ورودی، پردازش و خروجی آشکار است و بنابراین دارای مؤلفه‌های همه تعاریفی است که از نگاه فن‌آورانه به اخلاق اطلاعات می‌نگرند که در آثای تعاریف قبل به تفصیل بیان گردید.

ب) تعاریف با نقطه عزیمت علم اطلاعات

۸. تعریف و دسته‌بندی کاپورو: کاپورو^{۳۹} تعریفی پیام‌شناسانه از اخلاق اطلاعات و حوزه تعلقش ارائه داده که شایسته توجه است. از نظر کاپورو (۲۰۰۶)، اخلاق اطلاعات عبارت است از پرسش از اینکه در هر یک از ساختارهای قدرت موجود در نظام ارتباطی یک جامعه خاص، چه چیزهایی و تحت چه رسانه‌هایی (کانال‌هایی) اجازه دارند تا رد و بدل شوند (ارتباط و انتقال) و تحت این شرایط، چه قواعد رفتاری ظهور می‌یابد

36. Terrell Ward Bynum

37. Walter Manner

38. Bynum & Rogerson

39. Rafael Cappuro

40. Toni Samek

ارزش‌های انسانی که دربرگیرنده و پذیرا باشند نه طردکننده. وی در ادامه مقاله «اخلاق اطلاعات آفریقایی چیست؟» از کاپورو نقل قول و تبعیت می‌کند و تأیید می‌کند که می‌بایست به تفاوت‌های فرهنگی کشورهای مختلف صحنه گذاشت و نباید به توسعه یک اخلاق اطلاعات جهانی که تفاوت‌های فرهنگی را نادیده می‌گیرد همت گماشت.

آنچه مشخص است، تلفیق دیدگاه‌های رافائل کاپورو و لوچیانو فلورییدی در یک تعریف است که معجونی نامتجانس را به دست داده است. وی از یک سو به بررسی انتقادی مسائل اخلاقی تأکید می‌کند و به جنبه‌های میان‌فرهنگی اخلاق اطلاعات تمرکز می‌نماید و از سوی دیگر، به هنجارمندی‌سازی اخلاق در سپهر اطلاعات (که پیش‌فرض آن، یک اخلاق اطلاعات جهانی است) اشاره می‌نماید. همچنین در ادامه، زاویه دید کنترل اجتماعی در اخلاق را پررنگ می‌کند و اخلاق را «وسیله‌ای برای از بین بردن آشوب و بی‌نظمی» می‌خواند و به استانداردهایی رفتاری برای تجویز به افراد تأکید می‌کند. لذا، دسته‌بندی او کالا با بینش نظری محکمی تأسیس نشده و بیشتر سعی در تلفیق مواضع مختلف دارد.

۱۲. تعریف و دسته‌بندی فرومان: از نظر فرومان^{۴۴} (۲۰۰۰)، اخلاق اطلاعات می‌بایست بر اساس دو پیش شرط که خود مبتنی بر نظریه اخلاقی مک‌این‌تایر^{۴۵} به نام «وابستگی تصدیق‌شده»^{۴۶} است، بنا گردد: ۱. به رسمیت‌شناسی بدن ۲. نظریه‌ای مادی درباره اطلاعات. خوانش مک‌این‌تایر از اخلاق که خوانشی آکویناسی از نظریه فضائل اخلاقی ارسطو است، به ساختار اجتماعی‌ای تکیه دارد که بر «بدن‌های آسیب‌پذیر»^{۴۷} تکیه دارد. مک‌این‌تایر، همانند آکویناس معتقد است که اخلاق عبارت است از فضائلی که برای ایجاد و حفظ ساختار اجتماعی ضروری است. مک‌این‌تایر تفسیری بدن‌مند از ساختار اجتماعی ارائه می‌دهد و ابراز می‌دارد که ساختار اجتماعی، متشکل از بدن‌های افرادی است که ذاتاً در معرض آسیب، رنج و ضعف هستند. فرومان (۲۰۰۰) ادامه می‌دهد که بنا به نظریه مک‌این‌تایر، ساختار اجتماعی عبارت است از «شبکه‌ای از روابط مبتنی بر دادن و گرفتن»^{۴۸} و هر آنچه که به نیکی این داد و ستد بیفزاید، اخلاق محسوب می‌شود. از نظر آکویناس، این فضیلت «مرحمت»^{۴۹} نام دارد

۱۰. دسته‌بندی کاربو: کاربو^{۴۱} را اولین کسی می‌دانند که دوره آموزش اخلاق اطلاعات را در دانشگاه پتسبورگ به همراه پروفیسور آلمانو^{۴۲} راه‌اندازی نموده است (اسمیت، ۱۹۹۶). از نظر کاربو، حوزه اخلاق اطلاعات عبارت از همه جنبه‌های اخلاقی اطلاعات در طول کل چرخه حیات آن است (کاربو، ۲۰۰۷). وی در ادامه، تعریفی کتابدارانه از چرخه حیات اطلاعات ارائه می‌دهد که شامل تولید، تدوین و گردآوری، سازماندهی، و اشاعه اطلاعات است. از نظر کاربو، حوزه اخلاق اطلاعات می‌بایست این درک را در افراد به وجود آورد که در هنگام مواجهه با تنگنای اخلاقی، بتوانند ذینفعان درگیر در آن تنگنا را شناسایی کنند، منافع هر یک را بشناسند، عواقب تصمیماتی که بر هر یک از آن منافع ممکن است به بار بیاید را شناسایی کنند، و در نهایت تصمیمی اتخاذ کنند که کمترین آسیب را برای منافع ذینفعان به بار آورد و چنانچه آسیبی به منافع یکی از ذینفعان وارد باشد، در چارچوب قانون قرار گیرد و یا به نحوی از انحاء قابل ترمیم باشد. کاربو (۲۰۰۷) اظهار می‌کند که «اولین تکلیف دانشجویان در این درس خواندن و تأمل بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد و نیز سخنرانی 'من رویایی دارم' از مارتین لوتر کینگ است». نگاه سودگرای کاربو در توجه او به اعلامیه جهانی حقوق بشر به وضوح قابل تشخیص است. همچنین، کاربو در این رویکرد به شناخت فرد و زمینه‌ها و شرایط روانی او برای انجام عمل اخلاقی و تصمیم‌گیری صحیح اخلاقی تأکید دارد.

۱۱. دسته‌بندی اوکالا: از نظر اوکالا^{۴۳} (۲۰۱۳) اخلاق اطلاعات جزئی از اخلاق کاربردی است که چارچوبی انتقادی برای بررسی مسائل اخلاقی بنا می‌کند از جمله: محرمانگی و حریم خصوصی، عاملیت اخلاقی (مثلاً اینکه آیا عاملان هوش مصنوعی، عامل اخلاقی هستند یا خیر)، مسائل محیطی جدید (اینکه عاملان اخلاقی در سپهر اطلاعات چگونه می‌بایست رفتار کنند)، و مسائلی که از چرخه حیات اطلاعات برمی‌خیزد (خلق، گردآوری، ضبط، اشاعه، پردازش و الی آخر که شامل مالکیت اطلاعات، حق مؤلف، و شکاف دیجیتال نیز می‌شود). از نظر اوکالا (۲۰۱۳)، نقش اخلاق در جامعه عبارت است از افزایش نیکی در میان مردم، از بین بردن آشوب و بی‌نظمی، و به دست دادن هنجارها و استانداردهایی برای رفتار بر اساس وجدانیات انسان و

44. Bernd Frohmann

45. Alasdair MacIntyre

46. acknowledged dependence

47. vulnerable bodies

48. a network of relationships of giving and receiving

49. misericordia

41. Tony Carbo

42. Stephen Almagno

43. Denis Ochoa

نقطه‌نظر فرومان، دقیقاً در نقطه مقابل تعاریف افرادی مانند فلوریدی یا باینوم از اخلاق اطلاعات قرار دارد که پیش‌فرض آنها درباره انسان «ماشین پردازش‌گر اطلاعات» است که «جوهر خالص اطلاعاتی» محسوب می‌شود و به عالمی و رای عالم مادی به نام «سپهر اطلاعات» متعلق است. او انسان را «حیوان نمادساز بدن‌مندی» می‌داند که مهمترین دلیل وی برای گرایش به اخلاق، آسیب‌پذیری، مرگ‌پذیری و رنجوری ذاتی اوست و این انسان، با اطلاعات همانند «چیز» مادی‌ای که مناسبات اجتماعی و مادی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تماس دارد.

۱۳. تعریف و دسته‌بندی فالیس: از نظر فالیس^{۵۶} (۲۰۰۷، ص ۲۴) «اخلاق اطلاعات به‌طور بنیادین وابسته به این پرسش اساسی است که چه کسی می‌تواند به چه اطلاعاتی دسترسی داشته باشد». وی ادامه می‌دهد که «مسائل اصلی حوزه اخلاق اطلاعات شامل آزادی اندیشه، دسترسی برابر به اطلاعات، حریم خصوصی، و دارایی فکری است» (همانجا). از نظر وی، فن‌آوری اطلاعات باعث شده تا عامه مردم نسبت به این مسائل حساس‌تر و آگاه‌تر شوند ولی این‌ها مسائلی بوده کتابداران از سالیان دور درباره آن تولید فکر کرده‌اند. وی (۲۰۰۷) با تأکید به نقطه کانونی «دسترسی»، آن را مهمترین موضوع در علم اطلاع‌رسانی تلقی می‌کند و با این تأکید، اعلام می‌کند که جایگاه علم اطلاعات به‌عنوان رشته‌ای که امر «دسترسی» در آن مرکزیت دارد ایجاب می‌کند که به اخلاق اطلاعات بپردازد. فالیس (۲۰۰۷، ص ۲۷) ادامه می‌دهد که اخلاق اطلاعات، بخشی از اخلاق کاربردی است. متخصص اطلاع‌رسانی اولاً باید بتواند تحلیل کند که یک گزاره اخلاقی خاص درباره اطلاعات، متکی به چه نظریه‌های تجاری اخلاقی است (سودگرا، وظیفه‌گرا و ...). دوم اینکه در هر موقعیت اخلاقی، اگر بخواهیم طبق هر کدام از این نظریه‌ها عمل کنیم، قاعده مستخرج چه خواهد بود و آیا این قاعده با قوانین جامعه (که خود منطبق بر نظریه اخلاقی خاصی تنظیم شده است) انطباق دارد و در نهایت، آیا وظیفه فرد آن است که در موردهای اخلاقی، به گزاره‌هایی دست یابد که با قوانین جامعه منطبق است یا به گزاره‌هایی برسد که منطبق بر قواعد اخلاقی خویش است.

تفسیری که می‌توان از تعریف فالیس داشت آن است که وی، به‌طور کامل از منظر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به اخلاق اطلاعات عزیزت می‌کند و دسترس‌پذیرسازی اطلاعات را، که در نقطه مقابل کنترل اجتماعی اطلاعات

که خوانشی مشابه خوانش مک‌ایتنایر از رنج بشر است. از نظر فرومان (۲۰۰۰) این «وابستگی تصدیق‌شده» که تصدیق و تأیید آن بر اساس بی‌چون و چرا بودن آسیب‌پذیری و ناتوانی بدن‌های انسان‌ها بنا می‌گردد، اساس «اخلاق اطلاعات» نیز می‌بایست باشد. از آنجا که فضای مجازی به‌عنوان فضای «بدن‌زدایی‌شده» افلاطونی^{۵۰} شناخته می‌شود، چنین اخلاقی بیش از پیش نیاز به تأکید دارد. در خوانش سایبرنتیکی، «ساختار اجتماعی» عبارت است از «عقل جمعی»^{۵۱} که در تقابل با تعریف مک‌ایتنایر از ساختار اجتماعی به‌عنوان «شبکه‌ای از داد و ستد مبتنی بر آسیب‌پذیری بدن» است. در نگاه کسانی که ساختار اجتماعی را به‌مثابه عقل جمعی می‌بینند، اطلاعات امری معنایی است تا مادی. اطلاعات، در این نگاه، یک «جوهر خالص»^{۵۲} است که محتوای هر آنچه گفته یا نوشته شده را تشکیل می‌دهد و این جوهر خالص، می‌تواند کدبندی شود، منتقل گردد و مورد دستکاری قرار گیرد بدون آنکه ماهیتش عوض شود. خاصیت این «جوهر خالص» آن است که بر ادراک اثر می‌گذارد و تصمیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرومان (۲۰۰۰) اظهار می‌دارد که اخلاق با این تعریف، تبدیل به امری بدن‌زدائی‌شده و ذهنی می‌شود که تأثیرات جسمی آن در حاشیه قرار می‌گیرد. از نظر او، این نگاه باعث می‌شود که فیلسوفی مانند پیر لوی^{۵۳}، اظهار دارد که مهمترین وجه اخلاق فضای سایبر، مهمان‌نوازی^{۵۴} است و اخلاق را به ادب سخنگویی و رعایت آداب نظام سخن تقلیل دهد. از نظر وی، مشکل فقرا این نیست که چرا برای مثال، لپ‌تاپ ندارند، بلکه مشکل آنها این است که آنها از مناسبات اجتماعی‌ای طرد شده‌اند که برای دیده‌شدن و کسب فرصت‌های مادی اجتماعی لازم است و یا تحت سیطره نظام‌های پردازش خودکاری درآمده‌اند که بدن‌هایشان را در معرض تهدید [مادی، اعتباری] قرار می‌دهد (فرومان، ۲۰۰۸). بنابراین، با این تعبیر از اخلاق، «اخلاق اطلاعات با اخلاق لوله‌کشی تفاوتی ندارد»^{۵۵} (فرومان، ۲۰۰۰، ص ۴۳۴) زیرا هر دو درباره چیزی سخن می‌گویند که اثر مادی روی بدن‌های افراد دارد.

50. the disembodied space

51. collective intelligence

52. pure essence

53. Pierre Levy

54. hospitality

۵۵. فلوریدی در مقاله سال ۱۹۹۹ خود با عنوان «اخلاق اطلاعات: درباره بنیان فلسفی اخلاق کامپیوتر» که آغاز پروژه نظریه‌پردازی او درباره «اخلاق اطلاعات» است، با استناد به مقاله جیمز مور درباره استلزامات جدید عصر اطلاعات برای اخلاق، عنوان می‌کند که اخلاق کامپیوتر در وضعیت فعلی خود، همانند اخلاق نجاری است و فاقد بنیاد فلسفی است و لذا «اخلاق اطلاعات»، پایه فلسفی اخلاق کامپیوتر محسوب می‌شود. فرومان با این سخن طعنه‌آمیز، در واقع به‌طور ضمنی نظر فلوریدی را نقض می‌کند و عنوان می‌کند که اصلاً اخلاق اطلاعات وجود ندارد و این حوزه، با اخلاق لوله‌کشی (بخوانید نجاری) فرقی ندارد.

56. Don Fallis

مطرح می‌شود و یا ممکن است از دست رفتن کنترل اطلاعات مربوط به دولت باشد که در اینجا مباحث مربوط به دسترسی آزاد به اطلاعات، سانسور اطلاعات، و آزادی بیان مطرح می‌گردد.

تأکیدی که زیت‌رین در اینجا روی «کنترل دسترسی» دارد، کاملاً حقوقی است. از نظر وی خارج شدن «اموال» از دست افراد (فکر، ایده) در واقع نقطه‌ای است که به آن بار حقوقی می‌دهد. در این نقطه جابجا شدن «اموال اطلاعاتی»، توجهات اخلاقی‌ای که دو طرف رد مال علیه هم اقامه می‌کنند مسائل اخلاق اطلاعات را تشکیل می‌دهد.

۱۶. رویکرد هنجاری مور و اونس‌ورث: از نظر مور و اونس‌ورث^{۵۹}، اخلاق اطلاعات از نوع اخلاق کاربردی است که تعامل فرد با اطلاعات را بر اساس کاربرد نظریه‌های هنجاری خاصی همچون اخلاق سودگرا، تکلیف‌گرا، عدالت‌گرا و ... رقم می‌زند و لذا اخلاق اطلاعات عبارت است از بررسی و مطالعه چگونگی اعمال یا کاربرد نظریه‌های هنجاری در تعامل فرد و اطلاعات (مور و اونس‌ورث، ۲۰۰۵). از نظر این دو، اخلاق اطلاعات مرتبط با اخلاق کامپیوتر است اما شبیه آن نیست. اخلاق اطلاعات، شامل بحث اخلاقی روی نوع تعاملاتی با اطلاعات می‌شود که بدون حضور کامپیوترها نیز موضوعیت دارد. این مباحث اخلاقی شامل محرمانگی، مالکیت فکری، آزادی بیان، و کنترل اجتماعی اطلاعات می‌شود.

تعریف مور و اونس‌ورث، یک تعریف کامپیوتری-اجتماعی است. هرچند اخلاق کامپیوتر از نظر آنها ریشه اخلاق اطلاعات نیست اما شدیداً بدان مرتبط است و حضور کامپیوترها، ابعاد جدید و پیچیده‌ای به این مباحث بخشیده است. از سوی دیگر آنها یک تقسیم‌بندی اجتماعی از مباحث اخلاق اطلاعات ارائه کرده‌اند و آن را شامل دو دسته مباحث اخلاقی فردی (محرمانگی، مالکیت فکری، آزادی بیان) و مباحث اخلاقی اجتماعی و حکومتی (کنترل اجتماعی اطلاعات) دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان در این دسته‌بندی، رابطه اخلاقی فرد-جامعه را از منظر رابطه کامپیوتر-جامعه پیگیری کرد.

۱۷. رویکرد اجتماعی چانگ و چن^{۶۰}: از نظر چانگ و چن (۱۹۹۹)، اخلاق اطلاعات وابسته به فلسفه و نظریه وسیع‌تری به نام «اخلاق اجتماعی» است و با هدایت وجدانی کاربران اطلاعات بر اساس مسئولیت و پاسخگویی آنها

است، مدنظر قرار می‌دهد. حتی توجه وی به مسئله‌ای چون حقوق مالکیت فکری نیز از آن جهت است که از نظر او، مؤلفان طبق این اصل حق دارند که محتوای فکری خود را جهت دسترس‌پذیر شدن برای خوانندگان در اختیار کتابخانه‌ها و مراکز توزیع اطلاعات بگذارند. نکته دوم در تعریف و دسته‌بندی فالیس، تأکید وی بر نقطه کانونی «کنترل دسترسی» به عنوان اساس مسائل اخلاقی در عصر اطلاعات است که این نقطه کانونی، نقطه‌ای اجتماعی است. بنابراین، اصل وی در اخلاق اطلاعات را می‌توان یک اصل اجتماعی دانست.

۱۴. تعریف و دسته‌بندی بریتز: از نظر بریتز^{۵۷} (۲۰۱۳)، اخلاق اطلاعات بخشی از اخلاق کاربردی است که مسائل اخلاقی برخاسته از چرخه حیات اطلاعات را بررسی می‌کند. در چرخه حیات اطلاعات که شامل تولید، گردآوری، سازماندهی، بازیابی، توزیع، و استفاده از اطلاعات است، مسائلی اخلاقی پیش می‌آید که اخلاق اطلاعات عهده‌دار تحقیق درباره آنها است. از نظر او، اخلاق اطلاعات، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که رشته‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، علوم کامپیوتر، فلسفه، علوم ارتباطات، روزنامه‌نگاری و رسانه‌های گروهی با آن درگیر هستند. مباحث اصلی اخلاق اطلاعات از نظر بریتز عبارتند از حق محرمانگی و حریم خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات، حق مالکیت فکری و کیفیت اطلاعات. از نظر بریتز، اخلاق اطلاعات ریشه در اخلاق کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد زیرا آنچه به عنوان اخلاق اطلاعات در دهه‌های اخیر رشد پیدا کرده است، ریشه در سه سنت اخلاقی غرب به نام آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات، و آزادی نشر دارد که برای اولین بار، کتابخانه‌ها به عنوان مخازن نوشتار و متن، با آن تماس پیدا کردند.

ج) سایر رویکردها به اخلاق اطلاعات

۱۵. رویکرد حقوقی زیت‌رین^{۵۸}: اخلاق اطلاعات از نظر زیت‌رین (۲۰۰۰) عبارت است از بروز همه مسائل و مباحث اخلاقی، هنگامی که کنترل اطلاعات از دست خارج می‌شود. حال ممکن است این از دست رفتن کنترل اطلاعات مربوط به مردم عادی باشد که بحث محرمانگی و حریم خصوصی، مطرح می‌شود، ممکن است از دست رفتن کنترل اطلاعات مربوط به صاحبان نشر، صاحبان اثر، صاحبان اختراع، صاحبان نرم‌افزار، و ... باشد که در اینجا حق مولف، مالکیت فکری، سرقت علمی، امنیت اطلاعات، و سرقت اطلاعات

59. Adam D. Moore & Kristene Unsworth
60. Chien-Pen Chuang & Joseph C. Chen

57. Johannes Britz
58. Jonathan Zittrain

دیگران به‌عنوان بخشی از رهایی از خویشتن و بخشی از روش قطع ارتباط از تعلق به خود جهت پاک‌سازی و رهاشدن خود از خود، کاملاً با «خود منسجم» غربی که به تعبیر فوکو (۱۹۸۸) از سنت یونان باستان و سپس سنت غرب مسیحی سرچشمه می‌گیرد و پایه‌گذار «تکنولوژی‌های خود»^{۶۴} در حواله تاریخی غرب است فرق دارد. فوکو (۱۹۸۸) می‌گوید در یونان باستان، فرد خود را به عنوان خانه‌ای که باید بنا شود یا بومی که باید نقاشی شود می‌دید. انسان خود را بخشی از طبیعت می‌دانست که هر روز ساخته می‌شد. او خود را «ابژه»^{۶۵} در کنار سایر «ابژه»های طبیعت می‌انگاشت. نگاه انسان به خود، زیبایی‌شناسانه بود و انسان در طول زندگی می‌بایست آجر به آجر «خود» را می‌ساخت. فوکو (۱۹۸۸) می‌گوید پس از ظهور مسیحیت، نگاه انسان به «خود» تغییر کرد و آن را ذاتی آسمانی پنداشت که به وی «هدیه» شده است. این خود که همان «روح» نامیده می‌شد، کامل و مستقل بود و فقط می‌بایست شناخته می‌شد (خودشناسی) و از گزند آرایش‌ها حفظ می‌گردید (رهبانیت). بنابراین، نگاه انسان غربی به «خود» پس از مسیحیت تا امروز، تبدیل به نگاه معرفت‌شناسانه‌ای شد که طی آن انسان می‌بایست فقط خود را بشناسد و از گزند آرایش‌ها مراقبت کند.

با این تفاوت در نگاه به «خود»، پرسش اصلی در هنگام توسعه تکنولوژی نیز تفاوت ماهوی پیدا می‌کنند. اگر پرسش اصلی هنگام توسعه تکنولوژی در کشورهای غربی به‌طور پیش‌فرض این بوده که چطور می‌توان این «خود هستی‌شناسانه» را از طریق فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات «مراقبت» نمود، پرسش اصلی در کشور ژاپن هنگام توسعه فناوری‌های اطلاعات این بوده است که توسعه این فناوری‌ها چطور به حفاظت هر چه بیشتر جامعه کمک می‌کند.

۱۸. رویکرد اسلامی عبدالله: عبدالله (۲۰۰۸) رویکردی اسلامی به اخلاق اطلاعات پیش می‌گیرد و آن را «اخلاق اطلاعات اسلامی»^{۶۶} نامگذاری می‌کند. از نظر او، اسلام یک دین جهانی و توحیدی است که برای تمام بشر نازل شده و منظومه کاملی است که همه مسائل اخلاقی از جمله مسائل مربوط به اطلاعات در درون آن قابل حل و فصل هستند. عبدالله سه منبع برای استنباط احکام در منظومه اخلاقی - حقوقی اسلام قائل است: متن قرآن، سنت، و سیره حضرت محمد، و استنباط فقهی مبتنی بر قیاس یا اجماع. از نظر

سروکار دارد. عاملان اخلاقی که از آزادی عمل در صحنه جامعه برخوردارند می‌بایست در قبال اعمالی که آزادانه اتخاذ می‌کنند و آثار و عواقب تصمیماتشان مسئول و پاسخگو باشند. در اکثر کشورها، قانون، استانداردهای لازم برای عمل اخلاقی را در اختیار قرار می‌دهد و با ایجاد ضمانت اجرایی، افراد را در برابر اعمالشان پاسخگو می‌کند. در مواقعی که این قوانین به دلیل تحولات هر روزه تکنولوژی و ابزارهای فن‌آورانه دارای خلاء باشند، اخلاق اطلاعات همان پاسخ‌گویی در برابر تصمیمات و اعمال را - البته نه با آن ضمانت اجرایی که قانون دارد - زنده می‌کند. بنابراین، اخلاق اطلاعات وجهی از اخلاق اجتماعی است که توسط قانون تضمین می‌شود. نیشیگاکي^{۶۱} (۲۰۰۶) در تأیید این رویکرد اظهار می‌دارد که هدف اخلاق اطلاعات در ژاپن آن نیست که چیز خاصی چون محرمانگی، حق مولف و ... را در جامعه ایجاد یا توسعه بخشد بلکه هدف اخلاق اطلاعات در ژاپن، حفظ وضع موجود جامعه است. تفاوت هستی‌شناسانه به «خود» در نگاه غربی و نگاه ژاپنی دلیل تفاوت رویکرد کشورهای غربی و کشور ژاپن نسبت به اخلاق اطلاعات است. جهان‌بینی ژاپنی که تحت تأثیر تعالیم بودا است، «خود» زمانی به جایگاه واقعی‌اش دست پیدا می‌کند که ارتباط و تعلقش نسبت به «خود» را قطع کند و خود را از خویشتن پاک نماید. بنابراین، در راه این پاک‌سازی، هیچ رازی نباید بین «خود» با خود وجود داشته باشد و همه چیز «خود»، آشکار در پهنه گیتی باشد (نیشیگاکي، ۲۰۰۶). یکی از استلزامات این «انفصال از تعلق به خود»، وابستگی به دیگران به عنوان یک اصل هستی‌شناختی در زندگی است. نیشیگاکي (۲۰۰۶، ص ۲۴۰) می‌گوید:

ایده «رخداد هم‌وابسته»^{۶۲} که از تعالیم بودا است، بدان معنا است که هر چیزی که ذیل تالو خورشید هست، بر اثر وابستگی با یکدیگر رخ می‌دهد. چیزی در عالم وجود ندارد که در استقلال و جدایی کامل از دیگری‌ها باشد. بودیسم مکتب ماهایانا (مکتب میانه‌روی)^{۶۳} تصریح می‌کند که از آنجا که همه چیزهایی که ذیل تالو خورشید وجود دارند، با هم‌وابستگی رخ می‌دهند، کاملاً بی‌معناست که سعی کنیم از بین دو گزینه مطلق سوژه (یا ذهن) و ابژه (یا جهان)، یکی را انتخاب کنیم و به‌همین دلیل است که «راه میانه» با اهمیت است.

این همزیستی و وابستگی به دیگران و زندگی به‌خاطر

64. technologies of the self

65. object

66. Islamic Information Ethics

61. Toru Nishigaki

62. codependent arising

63. Mahayana Buddhism (or the middle-way school)

عبدالله (۲۰۰۸)، هر چیزی که در وهله اول از نظر قرآن و سنت ممنوعیتی نداشته باشد، حکم مباح را دارد مگر اینکه «عُرف» آن را زشت و ناپسند بداند. آنچه از نظر «عُرف» ناپسند است با استفاده از قواعد فقه با قرآن و سنت مقایسه می‌شود و اگر مخالفتی نباشد، به ناپسندی آن صحنه گذاشته می‌شود و چون در باره ممنوعیت یا عدم ممنوعیت استفاده و کنترل اطلاعات در متن قرآن، سنت، و سیره پیامبر نصی موجود نیست، گفتمان غالب در مورد مسائل اخلاقی اطلاعات به‌عنوان «عُرف» از منظر اسلام نیز مورد احترام است. برای مثال، او از سرقت نرم‌افزار، حقوق مالکیت فکری، سرقت علمی، محرمانگی و حریم خصوصی، و ... مثال می‌زند و آنها را به‌عنوان «عُرف» مورد احترام از نظر منظومه فکری اسلام یاد می‌کند. اما مسائل اخلاقی‌ای چون آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان که دارای مستندات قابل استنباطی از قرآن و سنت هستند، جنبه «عُرفی» ندارند و می‌بایست بر اساس قواعد فقه و با در نظر گرفتن متون و نصوص، مورد بررسی قرار گیرند.

تفاوتی که بین فقه شیعی و فقه اهل سنت در باره مسئله عُرف در فقه هست آن است که در فقه شیعی، عرف محل استخراج مسائل است و قرآن، سنت، و اجماع محل استخراج حکم. از عُرف در فقه شیعی نمی‌توان حکم استخراج کرد بلکه مسائل و ادله از عُرف استخراج می‌شود (واسعی، ۱۳۸۶). اما در فقه اهل سنت، آنچه حکم مباح دارد، با «عُرف» قیاس می‌شود و اگر «عُرف» آن را ناپسند دانست، «حکم» به ناپسندی داده می‌شود.

۱۹. رویکرد مارکسیستی فوکس: از نظر فوکس، حیات اجتماعی انسان تحت تأثیر زیربنای (همچون اقتصاد و کار) و رویناها (همچون اخلاق، سیاست، و فرهنگ) است که به‌طور دیالکتیکی با هم در ارتباطند ولی این زیربنای هستند که بر رویناها اولویت دارند. از نظر فوکس (۱۳۹۳) استعلائیاتی چون اخلاق، تحت تأثیر مناسبات اقتصادی کار و سرمایه ساخته شده‌اند و نظام‌های اقتصادی مختلف، حسب نیازهای خود، اخلاقیات خاصی را ترویج نموده‌اند. فوکس و همکاران^{۶۷} (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند که دیالکتیک ذات و هستی هگل، که مارکس آن را در نقدهای خود علیه سرمایه‌داری به‌کار برد، پایه اصلی اخلاق مارکسی است. از نظر آنها (۲۰۰۹)، طبق نظر هگل، حقیقت عبارت است از انطباق کامل میان ذات و هستی ممکنات. طبق این نظر، هر

پدیده یک ذات (جوهر) دارد که کمال آن، رسیدن به فعلیت منطبق با ذاتش است که این فعلیت، همان هستی فعلی اوست. اگر آن ذات با هستی فعلی‌اش انطباق داشته باشد، حقیقت بروز کرده است. در نظام سرمایه‌داری، ذات انسان که عبارت است از انسانی آزاد که قوه خلاقه‌اش را مستقل و آزاد و با بهره‌گیری از امکانات طبیعت به فعلیت می‌رساند، با هستی او که عبارت است از موجودی برده‌وار که نیروی خود را به‌صورتی فروخورده برای کسب منافع دیگران می‌فروشد، منطبق نیست و این، در واقع تضاد درون‌ماندگار میان نیروی کار، و نیروهای تولید و سرمایه است. از نظر فوکس (۱۳۹۳)، می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون رقابت به حیات خود ادامه می‌دهد ولی نمی‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که بدون حداقل سطوحی از همکاری (نمی‌گوییم همکاری ایده‌آل بلکه می‌گوییم حداقل‌های همکاری) بتواند به پای خود بایستد و اصلاً وجود داشته باشد. بنابراین، ذات جامعه همکاری است نه رقابت و رقابت، یک انحراف از ذات است. بنابراین، استعلائیاتی مانند اخلاق باید کمک کنند که هستی جامعه، به ذاتش رجوع کند و با آن منطبق شود. از نظر فوکس و همکاران (۲۰۰۹) اخلاق اطلاعات موظف است که با توسعه نظری اصول اخلاقی‌ای که دسترسی عادلانه، غیرانحصاری، آزاد و همیارانه به اطلاعات را ترویج می‌کند، به تصحیح زیربنایها و توزیع عادلانه امکانات مادی کمک کند. آنها (۲۰۰۹) ادعا می‌کنند که اخلاق اطلاعاتی که امروز ترویج می‌شود، اخلاق اطلاعاتی است که با ابداع قواعدی چون حق مؤلف و مالکیت فکری، به انحصار و حفظ سرمایه کمک می‌کند و در صدد است آن را از گزند پویایی اطلاعات در شبکه‌ها حفظ کند. اخلاق اطلاعات مارکسیستی می‌بایست عکس آن عمل کند و دسترسی به اطلاعات را که حاصل خرد جمعی همه انسان‌ها در طول تاریخ بوده و همیارانه تولید شده و یک سرمایه جمعی است، اخلاقاً ممکن نماید تا بتواند با استعانت از استعلائیاتی که جنبه روینا دارند، به اصلاح زیربنایها دست یازد.

۲۰. اخلاق گفتمانی مینگرز و والشام: رویکرد دیگری که به اخلاق اطلاعات وجود دارد عبارت است از بهره‌گیری از مفهوم «اخلاق گفتمانی» هابرماس در تعریف اخلاق اطلاعات. این رویکرد در مقاله‌ای از مینگرز و والشام^{۶۸} (۲۰۱۰) تشریح شده است. مهمترین ویژگی اخلاق گفتمانی هابرماس که در این مقاله اشاره شده، آن است که حکم

عبدالله (۲۰۰۸)، هر چیزی که در وهله اول از نظر قرآن و سنت ممنوعیتی نداشته باشد، حکم مباح را دارد مگر اینکه «عُرف» آن را زشت و ناپسند بداند. آنچه از نظر «عُرف» ناپسند است با استفاده از قواعد فقه با قرآن و سنت مقایسه می‌شود و اگر مخالفتی نباشد، به ناپسندی آن صحنه گذاشته می‌شود و چون در باره ممنوعیت یا عدم ممنوعیت استفاده و کنترل اطلاعات در متن قرآن، سنت، و سیره پیامبر نصی موجود نیست، گفتمان غالب در مورد مسائل اخلاقی اطلاعات به‌عنوان «عُرف» از منظر اسلام نیز مورد احترام است. برای مثال، او از سرقت نرم‌افزار، حقوق مالکیت فکری، سرقت علمی، محرمانگی و حریم خصوصی، و ... مثال می‌زند و آنها را به‌عنوان «عُرف» مورد احترام از نظر منظومه فکری اسلام یاد می‌کند. اما مسائل اخلاقی‌ای چون آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان که دارای مستندات قابل استنباطی از قرآن و سنت هستند، جنبه «عُرفی» ندارند و می‌بایست بر اساس قواعد فقه و با در نظر گرفتن متون و نصوص، مورد بررسی قرار گیرند.

تفاوتی که بین فقه شیعی و فقه اهل سنت در باره مسئله عُرف در فقه هست آن است که در فقه شیعی، عرف محل استخراج مسائل است و قرآن، سنت، و اجماع محل استخراج حکم. از عُرف در فقه شیعی نمی‌توان حکم استخراج کرد بلکه مسائل و ادله از عُرف استخراج می‌شود (واسعی، ۱۳۸۶). اما در فقه اهل سنت، آنچه حکم مباح دارد، با «عُرف» قیاس می‌شود و اگر «عُرف» آن را ناپسند دانست، «حکم» به ناپسندی داده می‌شود.

۱۹. رویکرد مارکسیستی فوکس: از نظر فوکس، حیات اجتماعی انسان تحت تأثیر زیربنایها (همچون اقتصاد و کار) و رویناها (همچون اخلاق، سیاست، و فرهنگ) است که به‌طور دیالکتیکی با هم در ارتباطند ولی این زیربنای هستند که بر رویناها اولویت دارند. از نظر فوکس (۱۳۹۳) استعلائیاتی چون اخلاق، تحت تأثیر مناسبات اقتصادی کار و سرمایه ساخته شده‌اند و نظام‌های اقتصادی مختلف، حسب نیازهای خود، اخلاقیات خاصی را ترویج نموده‌اند. فوکس و همکاران^{۶۷} (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند که دیالکتیک ذات و هستی هگل، که مارکس آن را در نقدهای خود علیه سرمایه‌داری به‌کار برد، پایه اصلی اخلاق مارکسی است. از نظر آنها (۲۰۰۹)، طبق نظر هگل، حقیقت عبارت است از انطباق کامل میان ذات و هستی ممکنات. طبق این نظر، هر

68. John Mingers & Geoff Walsham

67. Fuchs, Bichler & Raffl

جدول ۱ ارائه شده است:

در جدول ۱، نام ارائه‌دهندگان تعریف، توصیفی از ویژگی‌های خاص تعریف آنها، پیش‌فرض تعریفی آنها و نیز مفهوم کلیدی موجود در تعریف آنها آمده است. دو مفهوم «جایگاه» و «دسترسی»، مهمترین بن‌مایه‌های موجود در ۲۰ تعریف فوق بوده‌اند. کسانی که با پیش‌فرض فن‌آوری به تعریف اخلاق اطلاعات پرداخته‌اند، جهان را همانند ذهن انسان محیط پردازش اطلاعات تلقی می‌کنند و لذا پیش‌فرض کنترل را در پس‌زمینه تعاریف خود دارند. افرادی نیز که با پیش‌فرض علم اطلاعات به تعریف اخلاق اطلاعات پرداخته‌اند، پشتیبانی از تکثر تفسیر را در بطن تعاریف خود دارند و لذا آزادی دسترسی به اطلاعات در پس‌زمینه تعاریف آنها وجود دارد. سایر افراد دیگر که به تعریف پرداخته‌اند، با تکیه بر جایگاه تئوریک خود (مارکسیستی، حقوقی و ...) به مسئله دسترسی نگریده‌اند. مثلاً زیت‌رین که با جایگاه تئوریک حقوقی به مسئله اخلاق اطلاعات نگریده است، جایجا شدن مالکیت اطلاعات از طریق جایجا شدن دسترسی را هدف گرفته و گفته است «اخلاق اطلاعات ظهور و بروز همه مسائل اخلاقی است هنگامی که کنترل اطلاعات از دست خارج می‌شود». بدیهی است که او باید «مالکیت» را هدف بگیرد زیرا مالکیت، مسئله بنیادی در علم حقوق است. جرمی بنتام^{۷۲} (۱۹۳۱، ص ۱۳۱) در یک جمله قابل تأمل گفته است: «حقوق و مالکیت با هم ظهور کرده‌اند و با هم از بین می‌روند». جایگاه تئوریک ارائه‌دهنده تعریف، پیش‌فرض‌های او را می‌سازد و پیش‌فرض‌ها، سنگ بنای تعاریف هستند که تا انتها، مسیر تعریف را مشخص می‌کنند و در واقع، اولین بُرش را به آن حوزه تعریف خاص می‌زنند. به‌علاوه، ماجرای ویکی‌لیکس (که ذیل تعریف ۲۰ آمده است) به وضوح نقش جایگاه را در موضع‌گیری اخلاقی نشان می‌دهد. در ماجرای ویکی‌لیکس، گروه‌های اجتماعی بر اساس «جایگاهی» که در جامعه داشتند به پدیده‌ای واحد عکس‌العمل‌های متضادی نشان داده‌اند. این نشان می‌دهد که موضوع اخلاق اطلاعات یک مسئله اجتماعی است که جایگاه‌های اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در تفسیر آن دارند زیرا مسئله «کنترل دسترسی به اطلاعات» یک مسئله اجتماعی است. بنابراین برای ارائه تعریف درباره اخلاق اطلاعات، در میان نظریه‌های اجتماعی جست‌وجو گردید تا نظریاتی یافت شود که بتوان با تکیه بر آنها دو ایده «جایگاه» و «دسترسی» را وارد تعریف کرد و لذا اندیشه

مطلق کانت (عملی اخلاقی است که بر اساس ضابطه‌ای عمل شود که فرد بتواند آن را در هر حال، به‌صورت یک قانون جهانی تجویز نماید) را از شأن قضاوت شخصی ساقط کرده و آن را وارد حوزه قضاوت عمومی نموده است (قاعده‌ای می‌تواند مبنای عمل اخلاقی قرار گیرد که نتایج و تاثیراتش در انطباق کامل با خواست‌های هر فرد به‌خصوص باشد، به شرطی که مورد پذیرش و قبول دیگران قرار گیرد). اشکال این رویکرد آن است که پیچیدگی‌های اخلاق اطلاعات به‌خصوص در فضای دیجیتال، که دو نقطه عزیمت کامل متضاد با هم آن از نظر گذشت، مانع از آن می‌شود که اجماع در میان همه حاصل گردد. پدیده‌ای به نام ویکی‌لیکس^{۶۹} (بیل‌بی، ۲۰۱۴) به روشنی این تضاد و عدم امکان رسیدن به اجماع بر سر مسائل اخلاق اطلاعات را آشکار می‌کند. ادوارد اسنودن، جولیان آسانژ و چلسی مَنینگ^{۷۰} پس از افشای اسرار سایبری آمریکا و پرده‌برداری از راز سایت چند هکتاری متشکل از ابرکامپیوترهای بزرگ که متمرکز در شنود، جاسوسی، داده‌کاوی و جمع‌آوری اطلاعات از سایر کشورها هستند، از آمریکا گریختند و اکنون تحت پیگرد قانونی پلیس اینترپل هستند و آزادی خود را از دست داده‌اند. یکی از سران امنیت ملی آمریکا به نام ساکسبی چمبلیس^{۷۱} که سناتور اسبق جمهوری‌خواه آمریکاست در دانشگاه جورجیا گفت: «میدواریم هیچ یک از شما با اسنودن همدردی نکنید چراکه ما باید او را در ملاء عام دار بزیم. این فرد به نظر من بیش از سایر پرونده‌های جاسوسی به جامعه اطلاعاتی آمریکا آسیب زده است» (خراسان، شماره ۱۹۰۲۴، مورخه ۳۱ تیر ۱۳۹۴). در آن سو، گروهی از احزاب مدنی از جمله حزب سبز آلمان، مجسمه این سه فرد را به عنوان قهرمان آزادی بیان در شهر برلین آلمان رونمایی کردند و به بازدید عموم گذاشتند (خبرگزاری هنر ایران، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴). ویکی‌لیکس در واقع محل بحرانی برخورد دو نقطه عزیمت متضاد در اخلاق اطلاعات است و اخلاق گفتمانی هابرماس، به نظر نمی‌رسد بتواند در این موارد اخلاقی، به اجماع اخلاقی دست یابد.

تحلیل دسته‌بندی‌ها و ارائه تعریف

در این بخش به جمع‌بندی مباحث فوق و ارائه تعریف و دسته‌بندی جامعه‌شناختی از حوزه اخلاق اطلاعات می‌پردازیم. جمع‌بندی تعاریف از حوزه اخلاق اطلاعات در

69. wikileaks

70. Edward Snowden, Julian Assange and Chelsea Manning

71. Saxby Chambliss

جدول ۱. مقایسه تعاریف و رویکردها به اخلاق اطلاعات.

ردیف	تعاریف	ویژگی	پیش فرض	مفاهیم کلیدی
۱	فلوریدی	انسان به عنوان ماشین پردازش اطلاعات- اولویت جهان ایده‌ها به جهان بدن‌ها- نگاه سایبرنتیکی به ذهن	فن آوری- سیستمی	جایگاه فن آوری به عنوان کنترل کننده دسترسی
۲	هال	کنترل اجتماعی مستتر در تعریف- جهان به مثابه محیط پردازش اطلاعات	فن آوری- سیستمی	ایضاً
۳	اسمیت	نگاه فردگرا، روانشناختی و کنترلی مستتر در تعریف	فن آوری- روانشناختی	ایضاً
۴	ماسون	نگاه سایبرنتیکی به ذهن - انسان به عنوان ماشین پردازش اطلاعات- نگاه سرمایه‌ای به اطلاعات	فن آوری- مدیریتی	ایضاً
۵	ثقه الاسلامی	پیش فرض وابستگی اخلاق اطلاعات به فن آوری اطلاعات	فن آوری-	ایضاً
۶	اس	نگاه فن‌آورانه به اطلاعات- تکثرگرایی فرهنگی در اخلاق اطلاعات	فن آوری- فرهنگی	ایضاً
۷	باینوم	نگاه سایبرنتیکی به ذهن - انسان به عنوان ماشین پردازش اطلاعات	فن آوری- سیستمی	ایضاً
۸	کاپورو	نگاه پیام‌شناسانه به توزیع اطلاعات- نقش مناسبات قدرت و جایگاه‌ها در توزیع و مبادله اطلاعات	علم اطلاعات- پیام‌شناختی	دفاع از جامعه در برابر کنترل دسترسی
۹	سامیک	برگرفته از گفتمان مسئولیت اجتماعی- تبعیت از اصول اخلاقی	علم اطلاعات- اصول‌گرا	دفاع از آزادی دسترسی مردم بر پایه قواعد اخلاقی
۱۰	کاربو	نگاه فردگرا، روانشناختی و تجاری به اخلاق اطلاعات	علم اطلاعات- لیبرال	آزادی دسترسی به اطلاعات به عنوان مبنای آزادی اقتصادی
۱۱	اوکالا	اخلاق اطلاعات به عنوان یک چارچوب انتقادی برای نقد کنترل دسترسی	علم اطلاعات- اومانستی	دفاع از جامعه در برابر کنترل دسترسی
۱۲	فرومان	بررسی اثرات اطلاعات بر بدن آسیب‌پذیر- تفسیر مادی از اطلاعات	علم اطلاعات- نئومارکسیستی	ایضاً
۱۳	قالیس	تأکید بر مسئله دسترسی در اخلاق اطلاعات	علم اطلاعات- اومانستی	ایضاً
۱۴	بریتز	تأکید بر تاریخ درگیری کتابخانه‌ها با مسائل اخلاقی نشر اطلاعات	علم اطلاعات- اومانستی	ایضاً
۱۵	زیت‌رین	تمرکز بر نقطه از دست رفتن کنترل دسترسی به عنوان نقطه جابجایی مالکیت اطلاعات	حقوقی	جایگاه کنترل دسترسی در جابجایی مالکیت اطلاعات
۱۶	مور و اونس‌ورث	نگاه هنجاری به مسائل اخلاق اطلاعات	هنجاری	جایگاه موضع اخلاقی در تفسیر موقعیت‌های اطلاعاتی مربوط به دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات
۱۷	چانگ و چن	پاک شدن انسان از «خود» و آشکارگی در پهنه گیتی- رها شدن از خود از طریق وابستگی هستی‌شناختی به دیگران	اجتماعی	جایگاه «دیگری‌ها» یا اجتماع در اتخاذ موضع نسبت به دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات
۱۸	عبدالله	مقایسه امر مباح با «عُرف» و استنباط حکم فقهی	اسلامی	جایگاه احکام اسلام در اتخاذ موضع درباره دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات
۱۹	فوکس	منطبق کردن ذات انسان با هستی او برای ظهور حقیقت- جلوگیری از انحصار اطلاعات برای اصلاح زیربنایها و بازگشت به ذات همکاری	مارکسیزم ارتودوکس	دفاع از توده مردم در برابر انحصار دسترسی به اطلاعات
۲۰	مینگز و والشام	رسیدن به اجماع در مورد مسائل اخلاقی عصر اطلاعات	مارکسیزم لیبرال	دفاع از جامعه در برابر مناسبات قدرت در کنترل دسترسی برای رسیدن به دموکراسی ایده‌آل

۱۳۹۳). «پرداختن بلافاصله و بی‌درنگ به پاسخ، پیشاپیش معنای پرسش و نوع و گستره پاسخ‌های مربوط به آن را به نحوی خاص تعیین می‌بخشد، و حتی ممکن است با کنترل آن، پرسش را از یک ویروس خطرناک به یک واکسن بارزش در دستان اقتدار تبدیل سازد» (فتح‌زاده، ۱۳۹۳، ص

ساخت‌شکنا نه ژاک دریدا با عنوان «پرسش از پرسش‌ها» و ایده «جایگاه» در «نظریه عام کنش» پیر بوردیو برای تعریف حوزه اخلاق اطلاعات مناسب تشخیص داده شد. از نظر دریدا، با پیش فرض گرفتن پرسش قدرت ویرانگری و گزندگی آن گرفته می‌شود و کنترل می‌گردد (فتح‌زاده،

را از طریق سهل‌انگاری‌هایی که فرد مربوط به طبقه کارگر در استفاده از چنگال یا سرعت خوردن غذا مرتکب می‌شود، آشکار می‌کند. بورديو ادامه می‌دهد که همه تفسیرها، نگاه‌ها، تصمیم‌ها، و حتی سؤالاتی که به ذهن یک فرد خطور می‌کند یا برای وی با اهمیت تلقی می‌شود، از جایگاه او برمی‌خیزد.

حال به کمک ایده جایگاه در نظریه عام کنش بورديو، به پرسش دریدائی در باب اخلاق اطلاعات پاسخ داده، تعریفی جامعه‌شناختی از اخلاق اطلاعات ارائه می‌دهیم. در پاسخ به پرسش دریدائی از اخلاق اطلاعات یعنی «چرا پرسش از اخلاق اطلاعات مطرح می‌شود؟» باید گفت که کشاکش نیروهای اجتماعی درباره دسترسی به اطلاعات (کنترل دسترسی یا آزادسازی دسترسی) موجب چنین پرسشی است و جایگاه افراد و نهادها به عنوان ذینفع در کنترل یا آزادسازی دسترسی، به پرسش‌های اخلاقی منجر می‌شود. بنابراین، در تعریفی جامعه‌شناختی، «اخلاق اطلاعات به مطالعه آن دسته از مسائل اخلاقی مربوط به دسترسی به اطلاعات می‌پردازد که از جایگاه افراد یا نهادها برخاسته باشد». این مسائل عبارتند از آزادی بیان، سانسور و کنترل محتوا، محرمانگی و حریم خصوصی، سرقت علمی، مالکیت فکری، سرقت اطلاعات و امنیت اطلاعات. طبق این تعریف، مسائل فوق هستند که ارزش مطالعه جامعه‌شناختی دارند زیرا دو مفهوم جایگاه و دسترسی در بطن آنها قرار دارد. طبق این تعریف، فرد یا نهاد با توجه به جایگاه خود دغدغه‌های خاصی نسبت به دسترسی به اطلاعات دارد و لذا آن دغدغه‌ها را به عنوان معضله اصلی اخلاقی برمی‌شمارد و سایر دغدغه‌ها را یا اخلاقی تلقی نمی‌کند و یا در اولویت بررسی قرار نمی‌دهد. طبق این تعریف، اخلاق اطلاعات چیزی خنثی و فاقد جهت‌گیری نیست بلکه وابسته به آن است که جایگاه فرد یا نهادی که دغدغه دسترسی اخلاقی به اطلاعات دارد، چیست. منظور از اطلاعات نیز همان اطلاعات به مثابه شیء است که مایکل باکلند^{۷۵} (۱۹۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «Information as Thing» درباره آن بحث کرده است. با توجه به این تعریف، بر اساس آراء فوکس (۱۳۹۳) چهار جایگاه عمده برای افراد و نهادها می‌توان برشمرد: ۱. مصرف‌کننده اطلاعات، که عبارت است از فرد یا نهادی که عمده فعالیت اطلاعاتی وی را مصرف کالای اطلاعات تشکیل می‌دهد؛ هر چند ممکن است به‌طور ناچیز، کالای اطلاعاتی نیز تولید کند؛ ۲. تولیدکننده کالای اطلاعات، که

۱۱). مثلاً به جای اینکه «حس ناامیدی مردم» را فرض گرفته و در حل آن بکوشیم، باید از خود این ادعا پرسش کنیم و ببینیم چرا این پرسش مطرح شده است؟ این پرسش با وضع تاریخی ما چه نسبتی دارد؟ و هویت اجتماعی پرسشگر چه نقشی در اینکه این پرسش به پرسش مهمی تبدیل شود، دارد؟ بنابراین در نظر دریدا، در ساختارشنکی پرسش، به جای پاسخ به پرسش، به پرسش از پرسش می‌پردازیم. در باره اخلاق اطلاعات به جای پاسخ‌دهی به پرسش «اخلاق اطلاعات» و تلاش در حل آن، با روش دریدا باید بپرسیم که «چرا پرسش اخلاق اطلاعات مطرح می‌شود؟»

مسئله اصلی بورديو در نظریه عام رویه آن است که «ما به‌عنوان افراد و اعضای جامعه در زندگی روزمره چطور عمل می‌کنیم، از کجا می‌دانیم که چکار باید بکنیم، چگونه تصمیم می‌گیریم - به‌ویژه تصمیم‌هایی که به‌طور ناخودآگاه اتخاذ می‌کنیم - از کجا می‌دانیم که چگونه باید صحبت کنیم و چه بگوئیم. همه این‌ها از منظری ناشی می‌شوند که یک فرد از آن به جهان نگاه می‌کند، و این منظر، به گفته بورديو، از طریق «جایگاه» او در جامعه و ساختار آن جامعه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، سرگذشت آدمی، از جمله خانواده، آموزش، طبقه اقتصادی، طبقه اجتماعی، تعامل با طبقات دیگر، زبان و آئین، همه و همه در اتخاذ تصمیم‌ها، پرسیدن سؤال‌ها، و جمع‌آوری، انتخاب و تفسیر اطلاعات رسیده از جهان نقش به‌سزا دارند» (هوسی^{۷۳}، ۲۰۱۰، ص ۴۱). بورديو برای باز کردن مفهوم «جایگاه»، به مفهوم دیگری به نام عادتواره (هابیتوس)^{۷۴} متوسل می‌شود. وی می‌گوید، خودآگاهی ما به جایگاه‌مان، از طریق ملکه ذهن کردن تدریجی و ناخودآگاه طبقه اجتماعی، خانواده و تربیت خانوادگی، جنسیت، کنش و واکنش با افراد سایر طبقات و نحوه تعامل با آنها به عنوان عضو یک طبقه خاص اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، خودآگاهی به جایگاه از طریق «عادت» اتفاق می‌افتد و «عادت یعنی اینکه افراد جهان‌بینی‌های خود را، عموماً از طریق بازشناسی ناخودآگاهانه الگوها، قواعد، و انتظارات مبتنی بر طبقه اجتماعی، سرگذشت خانوادگی، هویت جنسی، آموزش و کنش و واکنش‌ها با دیگران در تمام سطوح در درون جامعه، خلق می‌کنند» (هوسی، ۲۰۱۰، ص ۴۲). وی، غذا خوردن فردی از طبقه کارگر در یک میهمانی طبقه متوسط بالا یا طبقه اشراف را مثال می‌زند و می‌گوید تفاوت در جایگاه، خود

73. Lisa Hussey

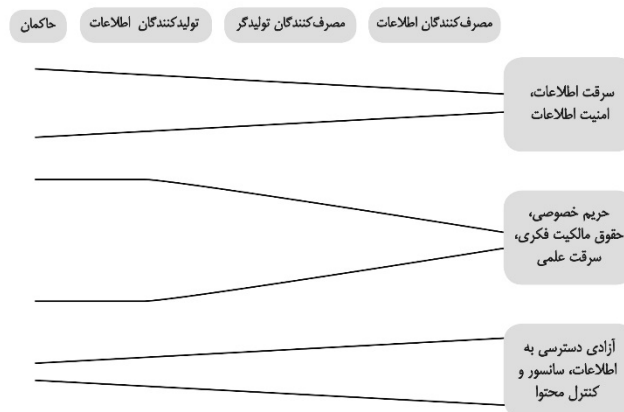
74. habitus

75. Michael K. Buckland

در اینجا ممکن است این پرسش پیش بیاید که تقسیم‌بندی افراد بر اساس تولید و مصرف اطلاعات، دسته‌بندی ثابتی نیست زیرا افراد ممکن است به طور هم‌زمان در هر یک از این جایگاه‌ها ایفای نقش کنند. برای مثال، کسی که جزو حاکمان اطلاعاتی است، در یک موقعیت خاص مصرف‌کننده اطلاعات است، ممکن است در موقعیت دیگری، تولیدکننده اطلاعات باشد. برای پاسخ به این پرسش، به بررسی مفهوم personhood و personhood می‌پردازیم. بر اساس فرهنگ انگلیسی آکسفورد (OED) ذیل مدخل person، ریشه این کلمه عبارت است از «نقاب»، که افراد هنگام بازی در نمایش به صورت خود می‌زنند و بعدها این کلمه در اشاره به انسان به کار گرفته شد^{۷۶}. ماتون^{۷۷} (۲۰۰۵، ص ۱۷ و ۱۸) در کتاب «یونگ و روان انسان»^{۷۸} می‌نویسد که «ریشه کلمه "شخص"، نقاب است. ... این چهره است که فرد به جهان عرضه می‌کند تا به رسمیت شناخته شود و تأیید اجتماعی

عبارت است از فرد یا نهادی که عمدتاً کالای اطلاعات کم‌ارزش و کم‌هزینه را به کالای اطلاعات با ارزش و پرهزینه تبدیل می‌کند؛ هر چند ممکن است مصرف‌کننده جزئی کالای اطلاعات نیز باشد؛^۳ مصرف‌کننده تولیدگر که عبارت است از فرد یا نهادی که به‌طور عمده و با سهم تقریباً برابر کالای اطلاعات تولید و مصرف می‌کند؛ و^۴ حکومت که عبارت است از نهادی که علاوه بر تولید اطلاعات، در جریان کالاهای اطلاعات در جامعه نیز معمولاً مداخله تنظیم‌گرانه می‌نماید.

در شکل فوق و در ردیف افقی، افراد جامعه بر اساس تولید، مصرف و نظارت بر اطلاعات به چهار گروه مصرف‌کنندگان، مصرف‌کنندگان تولیدگر، تولیدکنندگان، و حاکمان اطلاعاتی تعریف شده‌اند. در ردیف افقی شکل ۲، مسائلی از اخلاق اطلاعات که با توجه به جایگاه افراد در طیف مصرف تا نظارت بر اطلاعات بروز می‌کند آمده است. جایگاه مصرف‌کنندگان اطلاعات ایجاب می‌کند که دغدغه اندکی



شکل ۲. اهمیت مسائل اخلاق اطلاعات بر اساس مصرف اطلاعات.

کسب کند. ... کارکرد انسان به مثابه نقاب در مواقعی مثل رفتار مؤدبانه، [مثل] هنگامی که می‌گوید «ببخشید» یا «متشکرم» بروز می‌کند، در حالی که در درون خود حسی از تشکر یا عذرخواهی را ندارد. هیچ‌کس در همهٔ مواقع نقاب یکسانی نمی‌زند. هر نقاب، یک عکس‌العمل به یک موقعیت خاص است. ... سرجمع همهٔ نقاب‌هایی که در موقعیت‌های مختلف به کار می‌بریم، شخصیت (persona) ما را تشکیل

نسبت به مسائل اخلاقی‌ای چون سرقت اطلاعات و امنیت اطلاعات داشته باشند در حالیکه دغدغه‌های آنها بیشتر متوجه مسائلی چون آزادی بیان، سانسور و کنترل محتوا است. این در حالیست که جایگاه تولیدکنندگان اطلاعات و مصرف‌کنندگان تولیدگر ایجاب می‌کند که مطالبه اخلاقی آنها حفظ محرمانگی، رعایت حقوق مالکیت فکری، و اجتناب از سرقت علمی باشد. همچنین، جایگاه حاکمان اطلاعاتی و تولیدکنندگان اطلاعات نیز ایجاب می‌کند که به توجیه جنبه‌های اخلاقی امنیت اطلاعات بپردازند و اجتناب از سرقت اطلاعات را به‌عنوان مطالبه اخلاقی خود مطرح کنند.

76. OED: person: Orig. persone, from L. persona 'actor's mask, character in a play', later 'human being'.

77. Mary Ann Matton

78. Jung and Human Psyche

- Bynum, T. W. (2005). Norbert Weiner's Vision: The Impact of the "Automatic Age" in Our Moral Lives. In: Cavalier, R. (ed.), the Impact of the Internet on Our Moral Lives, pp. 11-25. Albany, New York: State University of New York press.
- Bynum, T. W. (2006). Flourishing Ethics. *Ethics and Information Technology*, 8 (4), 157-173.
- Bynum, T. (2008). Milestones in the History of Information and Computer Ethics. In: *The Handbook of Information and Computer Ethics*, Kenneth Einar Himma and Herman T. Tavani (Eds.). New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Bynum, T. W. & Rogerson, S. (1996). Introduction and Overview: Global Information Ethics. *Science and Engineering Ethics*, 2 (2), 131-136.
- Beilby, J. (2014). *The Heritage of WikiLeaks: A History of Information Ethics*. M.A. Dissertation, Alberta: University of Alberta.
- Britz, J.J. (2013). Understanding Information Ethics. In *Information Ethics in Africa: Cross-cutting Themes*. Pretoria: ACEIE, 1-6.
- Capurro, R. (2006). Towards an Ontological Foundation of Information Ethics. *Ethics and Information Technology*, 8 (4), 175-186.
- Carbo, T. (2007). Ethics Education for Information Professionals. In: *Ethics and Integrity in Libraries*. Edited by Amy L. Besnoy, (pp. 4-24), New York: Rutledge.
- Chuang, C. & Chen, J. C. (1999). Issues in Information Ethics and Educational Policies for the Coming Age. *Journal of Industrial Technology*, 15 (4), 1-6.
- Day, R. (2001). *The Modern Invention of Information: Discourse, History and Power*. Illinois: Southern Illinois University press.
- Ess, C. (2006). Ethical pluralism and global information ethics. *Ethics and Information Technology*, 8 (4), 215-226.
- Ess, C. (2007). Cybernetic Pluralism in an Emerging Global Information and Computing Ethics. *International Review of Information Ethics*, 7 (9), 1-31.
- Fallis, D. (2007). Information Ethics for Twenty-First Century Library Professionals. *Library Hi Tech*, 25 (1), 23-36.
- Floridi, L. (1999). Information Ethics: On the Philosophical Foundation of Computer Ethics. *Ethics and Information Technology*, 1 (1), 37-56.
- Floridi, L. (2008). Foundations of Information Ethics. In H. Tavani and K. Himma (eds), *Information and Computer Ethics*. John Wiley and Sons, pp. 3-23.
- Floridi, L. (2006). Information Ethics, its Nature and Scope. In: *Moral Philosophy and Information Technology*, J. van den Hoven and J. Weckert, Eds. Cambridge: Cambridge University Press.
- Foucault, Michel (1988). *Technologies of the Self*. Edited by Luther H. Martin, Huck Gutman & Patrick H. Hutton. Massachusetts: University of Massachusetts, Amherst.
- می‌دهد». بر این اساس، نمی‌توان انتظار داشت که شخص، در همه موقعیت‌ها نقاب یکسانی به چهره داشته باشد. اما در موقعیت‌های اخلاقی، جایگاه یا موضع انتخابی شخص با توجه به آن وضعیت، مهمترین اثر را در مسئله‌مند کردن آن موقعیت بازی می‌کند. به همین دلیل، شخصی که تا برهه خاصی مصرف‌کننده صرف اطلاعات بوده و دغدغه و پرسش اخلاقی وی عموماً روی سانسور و فیلترینگ دور می‌زد، چنانچه به جایگاه تولیدکننده اطلاعات برسد، مسئله محرمانگی و امنیت اطلاعات دغدغه اخلاقی او خواهد بود و در برابر رفتارهای ضد امنیت اطلاعات از جمله هک کردن، عکس‌عملی متفاوت از کسی که مصرف‌کننده اطلاعات است نشان خواهد داد.

منابع

منابع فارسی

خبرگزاری هنر ایران (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴). ادوارد اسنودن، جولین آسانز و چلسی مینینگ مجسمه شدند. بازیابی شده در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۴ از: <http://honaronline.ir/Pages/News-56710.aspx>

خراسان (۳۱ تیرماه ۱۳۹۴). درخواست اعدام ادوارد اسنودن. بازیابی شده در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۹۴ از: <http://www.khorasannews.com/PrintNews.aspx?type=1&year=1394&month=4&day=31&id=738>
8747

شقایق، مهدی و وصفی، محمدرضا (۱۳۹۴). جست‌وجوی ریشه‌های تاریخی اخلاق اطلاعات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۷۰ (تابستان ۱۳۹۴).

ثقه‌الاسلامی، علیرضا (۱۳۸۸). رویکردی طبقه‌بندی شده به حوزه اخلاق اطلاعات. *اخلاق در علوم و فن‌آوری*، ۴ (۲۰۱)، ۵۰-۶۶.

فتح‌زاده، حسن (۱۳۹۳). هوسرل، اخلاق، دریدا. تهران: ققنوس.

فوکس، کریستیان (۱۳۹۳). نظریه انتقادی اطلاعات. ترجمه مهدی شقایق. تهران: شناسه؛ چاپار.

واسعی، سید محمد (۱۳۸۶). جایگاه عُرف در فقه. تهران: کانون اندیشه جوان.

منابع لاتین

Abdallah, S. (2008). Information Ethics from an Islamic Perspective. In: *Encyclopedia of Information Ethics and Security*. Edited by Marian Quingley. Hershey; New York: IGI Global.

Buckland, M. (1991). Information as Thing. *Journal of the American Society for Information Science*, 42 (5), 351-360.

- Moore, A. D. & Unsworth, K. (2005). Introduction to Information Ethics: Privacy, Property and Power. Retrieved May 29, 2015, from: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1980898
- Nishigaki, T. (2006). The ethics in Japanese information society: Consideration on Francisco Varela's The Embodied Mind from the perspective of fundamental informatics. *Ethics and Information Technology*, 8 (4), 237-242.
- Ocholla, D. N. (2013). What is African Information Ethics? In: *Information Ethics in Africa: Cross-cutting Themes*. Pretoria: ACEIE, 21-28.
- Samek, T. (2007). *Librarianship and Human Rights: A Twenty-First Century Guide*. Oxford: Chandos.
- Smith, M. M. (1996). Information ethics: A hermeneutical analysis of an emerging area in applied ethics. PhD Thesis, University of North Carolina, Chapel Hill, U. S.
- Smith, M. (2001a). Global Information Justice: Rights, Responsibilities, and Caring Connections. *Library Trends*, 49 (3), 519-537.
- Smith, M. (2001b). Information Ethics. in Frederick C. Lynden (ed.) *Advances in Librarianship (Advances in Librarianship, Volume 25)* Emerald Group Publishing Limited, pp. 29 – 66.
- Zittrain, J. (2000). What the Publisher Can Teach the Patient: Intellectual Property and Privacy in an Era of Trusted Privication. *Stanford Law Review*, 52, 1201-1250. Retrieved May 11, 2015, from: <file:///C:/Users/7/Downloads/SSRN-id214468.pdf>
- Froehlich, T. J. (2004). A brief history of information ethics. *Textos universitaris de biblioteconomia i documentació*, 13. retrieved December, 31, 2014, from: <http://bid.ub.edu/13froel2.htm>
- Frohmann, B. (2000). Cyber Ethics: Bodies or Bytes. *International Information & Library Review*, 32 (3-4), 423-435.
- Frohmann, B. (2008). Subjectivity and Information Ethics. *Journal of American Society for Information Science and Technology*, 59 (2), 267-277.
- Fuchs, K.; Bichler, R. & Raffl, C. (2009). Cyberethics and Co-operation in the Information Society. *Science and Engineering Ethics*, 15 (4), 447-466.
- Hall, B. R. (2014). *A Synthesized Definition and Analysis of Computer Ethics*. PhD Thesis, Pittsburgh: Robert Morris University.
- Hussey, L. (2010). Social Capital, Symbolic Violence, and Fields of Cultural Production: Pierre Bourdieu and Library and Information Science. In: *Critical Theory for Library and Information Science: Exploring the Social from across the Discipline*. Leckie, G. J.; Given, L. M. & Buschman, J. E. (Eds). California: Libraries Unlimited.
- Mason, R. O. (1986). Four Ethical Issues of the Information Age. *MIS Quarterly*, 10 (1), 5-12.
- Matoon, M. A. (2005). *Jung and Human Psyche*. London; New York: Routledge.
- Mingers, J. & Walsham, G. (2010). Towards Ethical Information Systems: The Contribution of Discourse Ethics. *MIT Quarterly*, 34 (4), 833-854.

A Sociological Definition and Categorization of Information Ethics

Mahdi Shaghghi, PhD Student of KIS, University of Tehran. (*Corresponding author*)

m.shaghghi@ut.ac.ir

Mohammad Reza Vasfi, Assistant Professor, Department of KIS, University of Tehran.

Abstract

Background and Aim: This paper aims at the analysis of the definitions and categorizations of the realm of “Information Ethics” to criticize assumptions and clarify points of departure for introducing a new definition and categorization.

Method: I used documentary research method and conceptual analysis approach. This method and approach is the best fits with the goal of pursuit roots of social concepts and their pre-assumptions. After collecting all literature of the domain of “Information Ethics”, I tried to extract core definitions and categorizations and analyze their assumptions and points of departure. Then, I used the concepts extracted from all definitions and some aspects of the “General theory of Practice” (Pierre Bourdieu) and “Deconstruction” (Jacques Derrida) to introduce new definition and categorization of the domain of “Information Ethics”.

Results: Results shows that 20 original definitions have been offered and two main stream point of departure have been adopted, however, some other views such as legal, societal, Islamic, Marxian, Habermasian approaches have been introduced too. I adopted “access” and “position” as original points for categorization and used Derrida’s and Bourdieu’s viewpoints to offer a new sociological definition. I categorized social groups by their valuation on information production and consumption on the basis of Fuchs’ viewpoints. Four social groups distinguished as “information consumer”, “prosumer (information producer-consumer)” “information producer” and “information governor”. Freedom of expression, censorship and content control and filtering is questions of the individuals that put in to the “position” of “information consumer”. Information security and information piracy is the core questions of information producers and information governors. Eventually, privacy, intellectual property and plagiarism is the questions of information producers & information producers.

Originality/Value: originality of this paper is about its new approach in the definition of “Information Ethics”. By this categorization we can argue about the “access problem” in terms of the “position” of individuals or groups in the production, consumption or governance of information.

Keywords: Information Ethics, Sociology of Information, Technocentric Ethics, Informational Position, Access control.